مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال اول شماره شانزدهم دوشنبه ۱۲ حوت ۱۳۸۱ - اول محرم الحرام ۱٤۲٥ - 3 March 2003

حامد کرزی در مجلس سنای آمریکا:

بدون همکاری مردم افغانستان شما نمی توانستید القاعده را شکست بدهید

حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان به تاریخ ۷ حوت در جلسهء استماعیه کمیتهء روابط خارجی مجلس سنای آمریکا اشتراک کرد و ضمن گفت و شنودها با برخی سناتوران و اعضای مجلس سنا، به مسایل ودشواری های مطرح در روند جاری عرصهء سیاست در افغانستان اشارات و تاکیداتی دارد که اینک به صورت فشرده به ملاحظهء خواندگان عزیز جریدهٔ مجاهد رسانده می شود: ص۷



قتل دونفر در انترکانتیننتال

چگونه وچرا اتفاق افتاد ؟

شام ۶ حوت دو نفر افغان توسط یک انگلیس در هوتل انترکانتیننتال به قتل رسیدند، این خبر از طریق رسانه های جمعی داخلی و خارجی بدون توضیح جزئیات قضیه به نشر رسید. این قضیه از بسیاری جهات مورد توجه هموطنان ما قرار گرفت.

به خاطر دریافت حقایق بیشتر



پیرامون این حادثه خواستیم چگونگی این رویداد را از موظفین امنیتی هوتل انترکانتیننتال وریاست مبارزه با جرایم جنایی وزارت امور داخله دریابیم.

موظفین امنیتی هوتل انترکانتیننتال ظاهراً این رویداد را چنین بیان می دارند: ص۶

آقای مبارز !

ما ازدست کسانی چون شما به غرب پناه بردیم! ص۲

سقوط طیاره حامل وزیر معادن وصنایع یک توطیه است

قاضی حسین احمد رهبر جماعت اسلامی پاکستان سقوط طیاره حامل انجنیر جمعه محمد محمدی وزیر معادن و صنایع افغانستان را درهفته گذشته یک توطئه خوانده است. این مطلب درگزارشی در شمارهء هفتم حوت روز نامهء سهار چاپ پاکستان به نشررسیده است، اما تفصیل بیشتر در زمینه داده نشده است. روزنامه دی نیوز چاپ اسلام آباد نیز در شمارهء ۲۶ فبروری گزارشی در مورد سقوط این طیاره به نشر رسانیده است که چگونگی این حادثه را بیان می دارد. در این گزارش آمده است: طیاره کوچک هنگام پرواز بر ساحه ممنوعهء نظامی از مدار هوایی خارج گردید و در بحیره عرب سقوط نمود که باعث از بین رفتن وزیر معادن و صنایع افغانستان و همراهانش گردید.

به قول یک افسرنیروی هوایی نیروهای تازه وارد در این منطقه استعمال سلاحی را تجربه می کردند اما در این زمان هیچ سلاحی مورد تجربه قرار نگرفته است. و ی علاوه نموده است که پیلوت طیاره سسنا ۴۰۲ اجازه عبور از رادار میدان هوایی کراچی را حاصل نموده بود. اما این قضیه تا کنون آشکار نگردیده است که آیا پیلوت مذکور اجازه عبور از خط هوایی را حاصل کرده بود یا خیر؟ اما موضوع تحت بررسی قرار دارد.

بعد از سقوط طیاره عمله نجات شتافتند که توانستندجسد شش کشته را در یابند، اما جسد وزیر معادن و صنایع ویک تاجر چینایی تاهنوز پیدانگردیده است. تحقیق کنند گان این حادثه می گویند به وقت زیاد نیاز است تا بدانند که بالای طیاره چه واقع شده بود، زیرا این مسأله در قید رادار قرار ندارد. شاداب حسین افسر نیروی هوایی پاکستان گفته است: در عدم موجویت جعبه سیاه بخاطر حصول اطمینان پارچه مخروبه طیاره و یا شواهد عینی و یا وسایل دیگر را جستجو می کنیم. تکمیل چگونگی این حادثه ماه هانه بلکه، سال ها دوام خواهد کرد.

جامعهٔ عرب حمله برعراق را محکوم کرد

اجلاس سران کشورهای عضو جامعه عرب به منظور بررسی بحران عراق به سه شنبه ۲۶ فروری درشرم الشیخ مصر تشکیل شد.

سخنرانان در این جلسه مخالفت خود را با عملیات نظامی علیه عراق بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام کرده اند. آنان همچنین از دولت عراق خواسته اند با سازمان ملل همکاری نماید.

امیل لحود، رئیس جمهور لبنان، در سخنرانی خود در این اجلاس گفت حمله به هر کشور عرب به منزله تهدیدی علیه تمامی "امت عرب" تلقی می شود.

در عین حال، وی گفت که کشورهای عرب همچنان از عراق می خواهند با سازمان ملل همکاری کند تا بهانه یی برای حمله به آن کشور به دست کسی ندهد.

حسنی مبارک، رئیس جمهور مصر، نیز در این اجلاس گفت که باید به عراق فرصت بیشتری داد تا نشان دهد در مورد برچیدن تسلیحات کشتار جمعی از آن کشور جدی است.آقای قذافی رهبر لیبیا ص ۸



جلسه سران جامعهٔ عرب

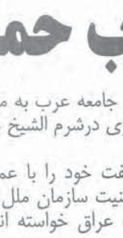


راکت های الصمود-۲

موضع گیری نامتعهد ها دربرابربحران عراق

اولین کنفرانس کشورهای غیر منسلک یا نا متعهدها در ۱۹۶۱ مطابق ۱۳٤۰ در بلگراد یوگوسلاویا پیشین دایر گردیده بود در آن زمان هدف کشورهای غیر منسلک مقابله با خطرات ناشی از رقابت ابرقدرت ها وحفظ ثبات وصلح جهانی بود، در عین حال حس استقلال پسندی و مخالفت با دخالت در امور داخلی کشورها که در جوامع منسوب به کشورهای غیر منسلک موجود بود، سبب می شد این جریان در روند تحولات سیاسی جهان به نحوی مطلوبی اثر گذار باشد.

اما حالا در وضعیت موجود وبا ملاحظه شکستن توازن در قطب بندی جهانی، چگونگی موضع گیری کشورهای نامتعهد وخط ص ۶



قصه های ناگفته من

رازهایی که موبایل افغان بی سیم با شما می گوید

ص۳

تجربهٔ لشکرگاه می تواند در کابل هم پیاده شود

آقای کرزی در دفاع از حقوق تلف شدهء مردم لشکرگاه، دست به اقدام مهمی زد.

قرار گزارش رسانه های خبری از ولایت هلمند، مدتی قبل در برابر تعدادی از باشندگان و مالکین برخورد ناسالم وغیر عادلانه یی صورت گرفته، سرای ها و مغازه های مردم مصادره گردیده و به صورت ظالمانه ویران گردیده بود.

مردم مظلوم لشکرگاه وبه ویژه صاحبان جایدادها،ازمظالم ناروایی والی ودیگر مقامات مسوول ولایت هلمند،شاکی ومعترض گردیده، غرض دادخواهی به مرکزآمدند.

و جفاهای صورت گرفته توسط مسوولین ولایت هلمند را به سمع آقای کرزی رسانیدند. وپرده از روی اعمال ناروایی بر داشتند که توسط ملا شیر محمد والی ولایت هلمند به عمل آمده بود و بر اثر آن چهارده فامیل از جمله مالکین ص ۷

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل– چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

بازسازی و ملی سازی اردو

سخن از باز سازی اردو پیوسته از اولویتها مسألهٔ باز سازی و از برنامه های مهم دولت انتقالی خوانده شده است. در هفته گذشته کنفرانس "استحکام صلح درافغانستان" توکیوکه به نام کنفرانس "خلع سلاح و ملکی سازی اردوی افغانستان" نام برداشته است برگزار شد و رئیس دولت در رأس یک هیأت در آن شرکت ورزید. وعده دادن ۵۱ میلیون دلاربرای این کار از سوی برخی از کشورهای اشتراک کننده دراین کنفرانس و همزمان با آن ایجاد تغییراتی دربرخی از کادرهای رهبری وزارت دفاع و تشکیل کمیسیون بازسازی اردو با حضور نمایندگانی از کشور های بیرونی و موسسات بین المللی، وسفرهای رئیس دولت ومارشال فهیم در چند روز پیش آمریکا، همهٔ اینها نشان می دهد که دولت ومجامع جهانی بیشتر از پیش مسأله ملکی سازی وبازسازی اردو را جدی گرفته اند. اما باید توجه داشت که همه عرصه های نظام و اداره در افغانستان به باز نگری و باز سازی نیاز دارد و این نیاز چنان روشن و بدیهی است که نیازی به اقامت دلیل ندارد .

این در ست است که اردو و وزارت دفاع ملی در اثر فعل و انفعالهای دوران جنگ و بحران بیشتر از دیگر نهادهای جامعه دچار تورم هیکلی شده است. در دوران اشغال اتحاد شوروی پیشین شماری فراوان از عرصه های دیگر اداره کشور به انگیزه های بسیار متفاوت وارد تشکیلات اردو شدند و بافروپاشی نظام کمونستی در سال ۱۳۷۱ و سپس فروپاشی نظام طالبان در سال ۱۳۸۰ لاجرم شماری دیگر از مجاهدان که بارچند دهه مبارزه وجهاد برضد بیگانگان را بردوش داشتند بر آن فزوده شد. بی تردید هزینهٔ بالای این ارتش بزرگ بی سامان برشانه های خسته اقتصاد مرده ومتکی به غیر افغانستان گرانی می کند.

گذشته از آن در شرایط کنونی وجود یک چنین اردویی گسترده کار بردی معقول ندارد. اما باید توجه کرد تورم سختاری تنها مشکل وزارت دفاع ملی نیست بلکه تورم در حجم اداری مشکل فراگیر همهٔ ادارات دولت است که دراین راستادولت باید به طرح یک استراتژی فراگیر اقدام ورزد تا تأکید و اصرار فراوان بر اردو و وزارت دفاع.

دولت می تواند با یاری کشور های علاقه مند به افغانستان و حفظ ثبات و آرامش آن و جلب سرمایه گذاری بیرونی و تشویق و به کار گیری ظرفیتهای درونی زمینه اشتغال و در آمد را برای شماری وسیع از مردم مهیا سازد که متأسفانه درطی بیشتر از یک سال عمر خود دراین زمینه دست أوردی قابل ملاحظه نداشته است. چون تا هنوز که نزدیک به نیم کمکهای داده شده برای افغانستان به مصرف رسیده است تحولی ملموس را در باز سازی زیر ساخت اقتصاد کشور و ایجاد زمینه های کار برای مردم به وجود نیاورده است. در چنین حالتی به در آوردن گروهی از سلک ارتش و نیز از ادارات دیگر دولت جز بیشتر فراگیر ساختن پدیدهٔ بی کاری، کاری انجام نخواهد داد.

اما مسألهٔ ملی سازی اردو از مسائل بسیار جدی کشور ما به شمار می آید و این مشکل ریشه در سالهای بسیار دور تاریخ معاصر کشور ما دارد. از گذشته ها می گفتند در افغانستان کسانی برای افسری و کسانی دیگر برای عسکری آمده اند. و اقعاً باید برای ایجاد یک جامعهٔ انسانی متوازن ریشه های این شجرهٔ خبیثه را از اعماق کشید و به جای آن درخت برادری و برابری را در همه عرصه های حیات اجتماعی به ویژه ارتش غرس کرد.



محفوظ سلیمان خیل

آقای مبارز !
ما ازدست کسانی چون شما به غرب پناه بردیم!

مجاهد این مقالت را به پاسگذاری به آزادی بیان ومطبوعات به نشر می سپارد وچنان که در پالیسی ان آمده است موافقت به آن را در همه موارد لازمی نمی داند و باید گفت بیان نقد رسمی و موضوعی بر گفته های اقای مبارز رااز سوی خود به شماره بعدی وامی گذارد.

به دنبال انتشار مطالبی در هفته نامهٔ مجاهد در مورد غرب زده های ازغرب آمده ، اقای مبارز و جمعی از هم کیشان ایشان با عصبانیت کامل به نشر مقالاتی به نمایندگی ازغرب بر گشته ها دست زدند و خود را بلندگوو مدافع آنان قلمداد نمودند.

من هم از جملهٔ آن دسته افغانهایی هستم که به عزم خدمت به وطن بازگشته ام و هیچ هدفی جز سهم گیری در بازسازی افغانستان ندارم. در غرب بوده ام ولی غرب زده نیستم و به فرهنگ خود افتخار می کنم و به همین علت خودم را مخاطب جریدهٔ مجاهد نمی دانم که بر غرب زده ها تاخته بود.

تا آنجاکه من این درگیریهای قلمی را از آغازش شاهد بودم و با شناختی که از ورای نقش قلم قلم به دستان و یاگذشته و کارنامهٔ آنان به دست دارم، می توانم به صراحت بگویم که این جنگ قلمی میان مجاهدین سابق و کمونست ها به خصوص جناح پرچم است ونباید دراین میان از نام افغانهای از غرب بر گشته سوء استفاده شود.

آقای مبارز و همفکران شان حق ندارند خود را در عقب ما پنهان کنند و به نام دفاع از ما دیگران را هدف قرار دهند به دلایل ذیل:

آقای مبارز از آوان جوانی که هنوز متعلم صنف دوازده مکتب بودبند در میان همصنفان به داشتن تمایلات کمونستی افتخار می کردند ودرآن زمان هنوز از حزب کمونست در کشور،خبری نبود. بعداً مبارز از جمله سمپات های حزب دموکراتیک خلق بود و برویبایی با رهبران آن به خصوص جناح پرچم داشت.

بعد از کودتای کمونستی در کشور مبارز از جمله هواداران رژیم کمونیستی بود و زمانی که میان جناحهای خلق و پرچم اختلاف افتاد مبارز جانب جناح پرچم را گرفت. بعداز تجاوز ارتش سرخ به حریم مقدس وطن ما اواز ماموران بالا رتبه آن رژیم بود. صباح الدین کشکی در کتاب "دههٔ قانون اساسی" همین مطلب را درمورد مبارز نوشته است.

آقای مبارز در مقالهٔ خود از اختلاف خویش با حزب کمونست سخن گفته است. باید پرسید که این اختلاف چه زمانی آغاز شد؟ چراوقتی ببرک کارمل سوار بر تانک های شوروی به افغانستان آمد آقای مبارز با آن مخالف نبود؟ چرا زمانی که افغانستان در زیر چکمه های سربازان ارتش سرخ کوبیده می شد، روستاهای این کشور در زیر بمباران های طیارات روسی به خاک یکسان می گردید ومیلیون ها نفر مجبور به هجرت می شدند، این اختلاف وجود نداشت؟ اقای مبارز حدود یکسال قبل از سقوط رژیم نجیب به غرب آمد تا بعداً ادعا کند که (خدا نکند من از آنها نبودم) ودلیل بیاورم که من هم مهاجر بودم.

مبارز زمانی که به اروپا آمد نظر به سابقه و کارنامه اش مورد نفرت مهاجرین قرار داشت وجز معدودی همفکران وی دیگر کسی با او رابطه یی نداشت . اوبا التماس وابراز ندامت از گذشتهٔ آنچنانی خویش سرانجام موفق شد با بعضی از گروه های مجاهدین رابطه برقرار نماید . وقتی در مجلسی در پاریس در میان جمعی از افغان ها سر وکله اقای مجاهد هم هویدا گردیدیکی از دوستان با کنایه وباصدای بلند گفت :

این که می گویند مجاهدین وسعت نظر ندارند، درست نیست یک پرچمی سرشناس چون آقای مبارز درمیان ماست وما اورا تحمل می کنیم ! مباوز سربه زیر انداخت وصدایی ازاو شنیده نشد !

بد بختانه مجاهدین (یا واضح تر بگویم جمعیت اسلامی)کار این وسعت نظر را در حد فوق العاده قابل انتقاد گسترش دادند. در دوران حکومت استاد ربانی روزی در پایتخت یک کشور اروپایی به مجلسی خوانده شدم تا با هیأتی از جانب استاد ربانی دیدار نمایم. ترکیب عجیب این هیأت برای همه از جمله خود من مایه شگفتی بسیار بود، دراین هیأت "که اگر فراموش نکرده باشم" چهار نفر شامل بودند: اقای همایون آصفی از اعضای خانوادهٔ شاه سابق ، وهمایون تندر از نمایندگان مجاهدین در اروپا وداود میر سفیر دولت استاد ربانی در پاریس و اقای عبدالحمیدخان مبارز !

وجود مبارز در ترکیب این هیأت سخت سؤال بر انگیز بود وبعضی ها چنین برداشت نمودند که دولت استاد از ائتلاف با جناح پرچم تشکیل شده است وبعضی ها می گفتند که چون حکمتیار از کمک خلقی ها بهره می برد استاد نیز به پرچمی ها رو آورده است .

آقای مبارز به عنوان یکی از اعضای هیأت با حرارت تمام از دولت استاد ربانی به جانبداری ودفاع برخاست و گناه همه مشکلات را به گردن پاکستان وحکمتیار انداخت .

باید از آقای مبارز پرسید که اگر رژیم استاد ربانی در آن زمان بی کفایت و خیانتکار بود وپول را به جای بانک دربالشت زیر سر خود نگهداری می کرد ،آثار تاریخی را به تاراج می برد و کابل را ویران کرد ،شما با کدام انگیزه ص ۷

در حاشیهٔ کنفرانس توکیو

ملکی سازی اردو

از آغازین روزهای دولت موقت، تلاش هایی پیگیر در راستای کوچک ساختن تشکیلات اردوی ملی افغانستان آغاز گردید واین کار با کنفرانس توکیو در هفته گذشته که در آن جناب حامد کرزی برنامه و پلان ملکی سازی اردو را اعلان نمود و به همین منظور وعده کمک پنجاه میلیون دلاری را دریافت کرد و سفرایشان به واشنگتن و ملاقات با سران ملکی و نظامی آن کشور وپیوستن مارشال فهیم به ایشان در پایتخت امریکا، در آسانه تکمیل شدن قرار دارد.

برای همه مبرهن است که مجاهدین در طول دو دهه و اندی از جهاد و مقاومت در مقابل تجاوز و دسیسه های رنگارنگ کشور های خارجی با تمام توان و قدرت رزمیدند و نگذاشتند کشور به طور دایم و مکمل به لانه اشغالگران تروریزم بین المللی مبدل گردد و در این راه قربانی های بی شماری داده و محرومیت های زیادی را متحمل شده اند.

امروز به یمن وهمت ایشان افغانستان آزاد گردیده و هموطنان ما در فضای دموکراسی و دور از اختناق زندگی می کنند پس باید در تمام عرصه های دولتداری، حقوق و آینده این راد مردان به طور شایسته و بایسته مرعی گردد و سرنوشت ایشان روشن شود.

اکنون که اردوی هفتاد هزار نفری تقریباً تثبیت گردیده است، برای آن.که ده ها هزار مجاهد که عمر عزیز خود را در راه جهاد و مقاومت سپری نموده و از تعلیمات عالی محروم گردیده اند بی سرنوشت باقی نمانند، باید دولت با حمایت کشور های دوست با ایجاد پروژه های طویل المدت ازایشان استفاده نماید و همچنان خلع سلاح مجاهدین باید عمومی و سراسری باشد و به یک حوزه و یک منطقه خلاصه نشود همانطوری که تاکید می شود اردوی جدید باید متشکل از تمام اقوام و اقشار کشور باشد، خلع سلاح نیز تمام حصص کشور را در بر بگیرد.

در غیر آن اگر تطبیق برنامهٔ خلع سلاح و ملکی سازی که از قبل بر اساس برنامه های منظم طرح نشده باشد و نتواند قناعت همه را فراهم سازد، احتمال زیاد وجود دارد که به ناکامی مواجه گردد و باعث بحران تازه شود.

پیوست به گذشته

موضعگیری ها در برابر جهانی شدن

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

موضع انکارگرایانه:

پرچمداران این موضع فرهنگیانی اند که بارز ترین آن ها را اسلام گرایان و گروه های چپی در جوامع اسلامی و حتی شخصیت های دیگری جدا از مسلمانان ، تشکیل میدهند که به گونه نمونه می توان به شخصیت های چون " هانزمارتین " و هارولد شومان" مؤلفان کتاب " پوکی جهانی شدن" اشاره کرد.

این گروه ها در تائید موضع انکار گرایانه خویش دلایلی را به خوانش می گیرند که در این جامی توان به بخشی ازآن ها اشاره کرد:

۱- اسلام به حیث ممثل هویت امت اسلامی و برنامه ای که با آیدیولوژی ارزش ها و نظام های خویش در بخش های مختلف زندگی ، هر برنامه در تضاد با برنامه خویش را مردود دانسته و هر رنگی جزرنگ خودراپدیده انکارمی نگرد،وبه حکم این که فرهنگی برخاسته ازوحی الهی پاک از هرگونه خطاو نقص و گمراهی است،برتری خویش را به آوازرسا در گوش همه فرهنگ ها به زمزمه می گیرد .

مسلمان با ور مند و ملتزم به دین خویش همواره با چنین قضه ای سروکار داشته و آن های هم که رابطه غرب با مسلمانان را در محراق تو جه خویش قرار داده اند، از این حقیقت آگاهی کامل دارند؛ بناً شگفت اور نخواهد بود اگر هنتنگتون در تیوری جنگ تمدن های خود، بر این امر تأکید ورزیده و می گوید که: "مشکل جدی در برابر غرب همانا اسلام است، اسلامی که فرهنگ آن با فرهنگ ما در تضاد بوده و پرچمداران فرهنگ آن به جهانی شدن فرهنگ خود در همه گوشه های جهان قناعت دارند.

بدون شک با اتکا به چنین باوری، شگفت آور نخواهد بود همانطور که حسن ضیقه می گوید: تأریخ مقاومت در برابر استعمار گر، تأریخ بر قراری ارتباط با شرع و دین بوده وتأریخ کرنش در برابر استعمار گر و اعتماد نسبت به آن ، همانا تأریخ بیرون شدن از دایره شرع و دین است".

۲-جهانی شدن را شمار زیادی مردود دانسته و می گویند: جهانی شدن استعمار نوی است از طرف غرب و سلطه ای است امریکائی و بهره کشی است از ملت های دیگر همانطوری که غربیان خودمی گویند و در گذشته هم به بخشی از آن اشاره کردیم.

ماهر شریف در کتاب خویش بنام "الاسلام و العولمه" می گوید: جهانی شدن در نهاد جدید سیاسی واقتصادی و فرهنگی خویش در واقعیت امر جز شکل نوی از اشکال سلطه و همینه نبوده و حتا فضا طوری است که کلمه استعمار چون سایه آن را تعقیب می نماید...

عبد الله بلقیز و به تائید آن فهد حارثی در کتاب " موقفنا من الکونیه الاعلامیة" می گویند: " جهانی شدن چپاولی است فرهنگی و تجاوز رمز گونه ای است به سایر فرهنگ ها" (۴)

فشرده این که جهانی شدن به باور این گروه که از عموم فرهنگیان نمایندگی می کنند و طوریکه همین اکنون هم مطرح است " تلاشی است به منظور پامالی هویت، مصالح و فرهنگی ملی و هرآنچه رنگ ملی دارد به نفع یک تلاش شرار تباری که همانا" پامالی فرهنگی" و " تجاوز تمدنی" و " در حاشیه قرار دادن ملت ها و به ذلت کشانیدن آنان" و " یکسان سازی جهان" و " امریکا سازی" آن می باشد.

۳-کسانی که جنبه اقتصادی و تبعات اجتماعی آن را در محراق توجه خویش قرار داده اند از تأثیرات وخامت با ر این جهانی شدن بر جهان، ابراز خوف و ترس می کنند، چه در سایه سیطره نیروهای اقتصادی " شرکت ها ی چند ملتی " خواسته های انسانی مادی چون بیمه های اجتماعی وحقوق اجتماعی کارگران ونمونه های دیگر از این نوع خواسته ها عقب گرد نموده و این نیروها توان های اقتصاد ملی و حتا دولت ملی را به صورت مشخص به غارت می برند.

درسایه جهانی شدن — طوریکه دکتر اسماعیل صبری عبدالله یکی از چهره های شناخته چپی در جهان عرب می گوید: سرمایه داری چند ملتی تا حد زیادی — از انجام و ظایفش که به دوش یک دولت ملی از آغاز پیدایش آن ، گذاشته شده است، بی نیاز گردیده وبه این اساس دیگر سرمایه داری به نیروهای مسلح بزرگ و نیرو مند نیاز ندارد، دوران فتوحات و هجوم و اشغال پایان یافته و آنچه امروز مدار اعتبار است ، همانا نیروی اقتصادی شرکت چند ملتی است که به آن توان می بخشد، داخل هر دولتی گردد و فعالیت خود را درهمه گوشه ای جهان گسترش دهد، شرکت های چند ملیتی به هیچ خطری جز احتمال رقابت باشرکت های از این طراز ، مواجه نگردیده و بسا می شود که رقابت میان دوشرکت منجر به آن می گردد که یکی در دیگر اندماج یابد و یایکی دیگری را تحت سلطه خویش قرار دهد.

احمد ثابت نویسنده مقاله " جهانی شدن وغرب" به این باور است که " فرضیه اساسی در عرصه های اقتصادی وسیاسی– این است که عرب در اغلب احوال شدیداً تحت تاثیرات منفی "پدیده جهانی شدن قرار می گیرد".

اما نویسندگان کتاب " پوکی جهانی شدن" برجنبه اقتصادی تاکید ورزیده و به این باورند که جهانی شدن در روشنایی سیاست های لیبرالیستی جدید، در حقیقت خود چیزی جز بازگشت به همان اوضاع آغازین دوران نظام سرمایه داری در بحبوحه مرحله انقلاب صنعتی ۱۷۵۰ م و ۱۸۵۰ م نبوده و به هر اندازه ارایه های این جهانی شدن شتاب بیشتر گیرد تا بسامانی امور روبه بدی بیشتر می رود و اگر کار ها به وضع کنونی به پیش رود چهره آینده جهان و حشیانه تر از چهره وحشت بار دوران های گذشته خواهد بود.

آخرین و قویترین دلیلی که در رد جهانی شدن از نظر این گروه می توان ارایه کرد ظالمانه بودن حرکت جهانی شدن است، ابر قدرت ها دیگران را به آن فرامی خوانند، ولی آنگاه که به منافع آن ها طوریکه قبلاً به آن اشاره کردیم– در تضاد واقع شد ، از آن گوشه گیری می کنند، روشی که غرب در معامله با حقوق بشر آن را به کار بسته و مطابق به منافع خویش آن را به کار می گیرد.

آن ها همانطور که نویسنده چینی "لاوسی" می گوید در عقب یک شعار ظاهراً اخلاقی جا گرفته و بعداً نسبت به دیگران راه غدر و خیانت را پیش می گیرند، "لاوسی" می گوید: " زمانیکه حقوق بشر را از نظر می گذرانیم می بینیم که امریکاییان و برخی کشور های اروپائی چین را به تجاوز به حقوق بشر متهم نموده و به وسیله راه اندازی چنین اتهامی سیاست های خویش را توجیه و آن را بر تری می دهند، ولی زمانیکه آن را در تضاد با منافع خویش حس می کنند، آن را در طاق نسیان قرار می دهند.

یقیناً به کار گیری منفعت طلبانه این مفهوم با فرهنگ سیاسی و اجتماعی و عنعنات ما در تعارض است"

این حقوق بشر که باید پایه ای برای وحدت عادلانه انسانی در میان افراد خانواده بشری باشد از نظر غرب طوریکه دکتر محمد عماره آن را بازگو می کند یک منطق ظالمانه نژاد پرستانه در برابر کسانی است که رنگ و منطق آن ها را ندارند..

انسان از دید غرب همان انسان سفید پوست مسیحی ویهودی بوده و حقوق بشر با همه مفاهیم غربی اش در گرو آن است، اما دیگران از آن محروم اند، مگر آن وقت که به خاطر مداخله در امور آنان بر انگیخته شود.

-حق تعیین سرنوشت که حقوق بشربرای هر انسانی آن را به خوانش می گیرد اما انسان مسلمان در سایه سلطه جهانی شدن غربی از آن محروم است که کشمیر، برما، فلپین و فلسطین و غیره از نمونه های آن به حساب می روند.

– هر دولتی از حق حاکمیت در سرزمین خویش.به حیث یک حق مشروع برخوردار است ، اما مسلمانان از این حق محروم اند وحاکمیت آنان در زمین، هوا وآب ها شان از این حق مستثنی است.

– اقلیت های دینی حق دارند که مراسم دینی خویش را در هر جاییکه هستند به پادارند و باید دولت از این حق حمایت نماید. اما مسلمانان از این امر مستثنی اند، اقلیت های اسلامی مورد اهانت قرار می گیرند، دوشیزه های آنان از پوشیدن حجاب محروم می شوند و مساجد و عبادتگاه های آنان تخریب می گردند.

اما اقلیت های غیر اسلامی در کشور های مسلمان،چون خاری است که دربرابر هر گامی در راستای حاکمیت بخشیدن به شریعت اسلامی در جامعه زرع می گردد.

ادامه دارد

قصه های ناگفته من

فیض

رازهایی که موبایل افغان بیسیم با شما می گوید

وظیفه ام تأمین ارتباط است، منزل چند شبه را در ثانیه می پیمایم و در دوستان دق الباب می کنم به مجرد باز شدن در، زمینه ملاقات را مهیا می سازم.

مردم خیلی ها وبی صبرانه تلاش دارند من را با خود داشته باشند، کسی در دست و کسی در کمربند و کسی در جیب ، خانم ها در دستکول و بزرگان نزدمحافظان وسکرتران. افزون بر وسیله ارتباط بودن، در افغانستان مد روز هم شده ام، خلاصه همه دوستم دارند.

جریده یی اسم را "الموبایل " گذاشته و چنین معنی کرده است: "وسیله یی است تزیینی و به قول برخی از لغت شناسان ، برای تیم دادن و فیگور گرفتن به کار می رود. برخی به اشتباه آن را وسیله ارتباط هم گفته اند."

اما طوری که در خارج به مجرد فشار دادن دکمه تأمین ارتباط می نمایم در افغانستان مشکلی زیاد دارم آنتن هایم درست نیست و از جانبی چون تجارتی هستم بادارانم می خواهند از ناحیه من کمایی بیشتر کنند لذا به هر صورت شده است مشتریان بیشتری را جلب کنم و به آنان باید بگویم:

Well come to AWCC وزمانی که تأمین ارتباط نتوانم باید به دروغ بالحن آرام وزیبا بگویم: "نمبری را که شما دایل کرده اید خارج از ساحه است»

واز این گفته خود نیز مبلغی از حساب مشتری ام وضع می نمایم شخصی سه روز متواتر نمره اش را دایل کرد وچون قدرت بر قرار کردن اتصال را نداشتم دروغ گفتم و از کریدتش وضع نمودم بالاخره به خشم آمد و گفت که می خواهم انسرنگ سیستم شماره ام را قطع کنم باید قانوناً تقاضا یش پذیرفته شود ولی چه کنم که مفادم از دست می رود ومورد خشم آقایم قرار می گیرم؛ بناءً گفتم خوب اما تا هنوز این کار را انجام نداده ام.

بارها شاهد بوده ام به خاطر افشای همین گونه دروغ هایم دو دستگاه موبایل که در یک اتاق بوده است یکی به دیگری تبادله زنگ می کنند و چون در یک متری قرار داریم بازهم می گویم شماره یی را که شما دایل کرده اید خارج از ساحه است.

بناءً مشتریانم در این وقت ها از من چندان دل خوشی ندارند و کم کم نارضایتی هایشان بروز کرده است و دراین روز ها نماینده ما از کندهار خبر داد که شورای ولایت کندهار نارضایتی شان را از ما نشان دادند و در طی یک جلسه فیصله کردند که یا سیستم موبایل درست شود ویا بن بوته شان را از این ولایت برکنید و به حساب مردم رسیدگی نمایید. نمی دانم چطور خواهد شد اگر این گونه شکایت های دسته جمعی زیاد شود و کم کم سراسری گردد من برفراز ساختمان ۱۸ منزله، وزارت مخابرات هم نمی توانم خود را پنهان کنم، مجبورم چون ثریا (موبایل ثریا) به دبی بروم. از تظاهرات و فیصله ولایات بسیار می ترسم.

گر چه دشنام ها و نار ضایتی های انفرادی را زیاد می شنوم و تحمل می کنم و چاره یی هم ندارم، تجارت است و پول در آوردن از کیسه مردم کار آسانی نیست هنر می خواهد وگاهی هم فن، وقتی ساعت ها دکمه ام رافشار می دهند و ارتباطی صورت نمی گیرد، به خشم می آیند و حرفهایی می گویند نشایدآن را باز گویم اما از من همان یک گپ است که لاجرم باید تکرا ر کنم «... شماره یی را که شما دایل نموده اید اکنون در دسترس نمی باشد...»

چند ماهی می شود که بازارم خریداری ندارد بناءً در روز های عید رمضان به گونه تشویقی از مردم دعوت به عمل آوردم که بیایند رهنمایی ام را یاد بگیرند و یک یک دقیقه رایگان صحبت کنند.در عید قربان نیز اعلان نمودم که دودقیقه به خارج کشور صحبت نمایند آن هم نه موبایل داران که تعدادی از جوانان به خاطر صحبت یک دقیقه یی ودودقیقه یی آمدند در نتیجه این تیر هم به هدف اصابت نکرد.

باز هم نیرنگ دیگر به کار بستم چون پول پیدا کردن کار آسان نیست کارت های دو دلار اهدائی چاپ نمودم و اعلان کردم که در مقابل کارت بیست دلار یک کارت دو دالری را به گونهء تحفه رایگان و تشویقی می پردازم، این کار را هم چند روزی کردم به کسی که آگاه بود دادم و نا آگاهان وبی خبران راگول زدم و بعد ها که از طریق اعلانات جراید همه اطلاع حاصل کرد ند بکلی قطعش کردم . منتظر چال های کارشناسان خودهستم تا این بار دیده شود . . .

از این ها که بگذرم ، نمی دانم با مراکز تحقیقاتی بهداشتی و سازمان بهداشت جهانی و سازمان حفظ محیط زیست چگونه رفتار نمایم تا این بلایی را که به من نسبت داده اند و در یکی از جراید نشر کرده اندکه گویا من به صحت انسان نیز مضر می باشم و باید بیشتر از سه دقیقه صحبت نه نمایند و تلفن باید از محدوده کمردور باشد که مغز استخوان کمر وغدد جنسی را در معرض امواج الیکترومقناطیس قرار می دهد، وتلفن همراه را در جیب پیرهن روی قلب نگذارید که خطر ناک است، دور تر از اطفال قرار دهید زیرا اگر صحبت هم نشود اشعه هایی را منتشر می کند که به صحت آنسان مضر است. تلفن موبایل عارضه های سردرد و اختلال در حافظه و گوش درد و کاهش بینایی و افزایش حرارت زیر پوست وخشکی دهان و گلو وسقط جنین و اختلال در خواب را سبب می شود.

وهم چنان در آسترالیا و فنلند بالای موش ها آزمایش صورت گرفته است که در مقابل قرار گرفتن امواج الکترو مقناطیس حس جهت یابی شان را از دست می دهند و در مورد خطر ناکتر به سرطان مبتلامی گردند. چون ژن های انسان با موش متفاوت است همین امر کار را برای دانشمندان مشکل تر کرده است وبه دوام من می افزاید. گفته می شود که تا سال ۲۰۰۵ تحقیقات این پروژه ادامه دارد و پیش بینی هایی که شده تا آن سال ۱۶۰۰ میلیون نفر در سراسر جهان صاحب موبایل خواهند شد تا آن وقت هر چه با داباد! من کار خودرا می کنم و منتظر تکتیک های جدید از سوی کارشناسان خود هستم.

اما یک حریف خیلی قوی (ایرانی) چندی قبل می خواست بالای بام مخابرات نزدیک من همسایه شود وبازار من را کساد سازد و هر گاه این همسایه می آمد به یقین زمینهء مرگم را فراهم و روزم را چون شب سیاه می کرد، زیرا تا حال یکه تاز میدان هستم و راست و دروغم می چلد، اندرین گیروبار بختم یاری کرد گپ های سیاسی از جانب باداران عنوان شد و من هم دست زیر الاشه نه نشستم افراد صلاحیت دار را دیدم و آن همسایه اجازه نیافت پهلویم در بام مخابرات خیمه بزند.

چند روز دل خوش کردم. باز لرزه بر اندامم دارد مستولی می شود که آوازه حریف دیگری به گوش مشتریانم رسیده است به نام شرکت آغاخان ، تبلیغ می کند که تخفیف دارد و چه و چنان ، و مشتریانم که دل خوشی از من ندارند گوش به آواز ورود این همسایه اند، نمی دانم به آن چه دسیسه بسازم ، گرچه یک تعداد بزرگان را دیده ام ، عاقبت به خیر!

آری تقصیر خدا نیست

آری تقصیر خدا نیست
ونباید باشد
زملک هاست اگر هست و زما بی اگر است
من اگر در نگهی یا دگری
خوار و بی پایه نمایم
راستی خلقت عشق ناکام
آرزوهای سراب
وامید وهوس نقش بر آب
یا که در سطری مطابق به کتاب کوچه
کار و کردار خراب
زیر این قاعده جامی گیرند:
آری تقصیر خدا نیست
ونباید باشد
زملک هاست اگر هست وزما بی اگر است
نا امیدان جهان شاد شوید
وخدا گفت به من
که روم چرخ سیه را شکنم
وغم و غصه و تنهایی را
بیخ و بنیان بدر آورده به دوزخ بزنم
نگذارم که دگر خاموشی
مثل من بی بر ومعنا باشد
زور یا هم زر و تزویر وریا
حاکم مطلق دلها باشد
وخودم:
آن قدر مست شوم کز سر شوق
همه سو پایین و بالا بروم
تا جهانی ز امید
تا که گوری زبدن
دوزخی از گنه و فسق و تبهکاری ها
پرکنم و انگهی چون دوزخی دیگر نبود
ومن از شرم به رضوانی پر از شیر و شراب
زن و تنبور ورباب
یا که پرهیز و ثواب است
نروم
پس ازاین هستی که تنگ است کجا بایدرفت
چاره ای نیست دگر سوی خدا باید رفت

خلمی
تهران – تابستان ۱۳۸۱

امید هروی

حماسه چیست وشعر حماسی کدام است؟

از سالیان درازی بدینسو در میان انواع ادبی ما به اصطلاحات شعر حماسی وشعر غنایی بر خورده ایم و هنوز تعداد زیادی از ما تعبیر درستی از این دو انواع ادبی در ذهن نداریم وچه بسا که عده زیادی به معنی این دو اصطلاح یا نوع ادبی پی نمی برند و وجوه تمایز آن دو را نمی دانند.

در این مختصر بر آنیم تا این دو اصطلاح را به تفصیل تعریف و به شناخت بگیریم و در این راستا ریشه و اصل آن ها را با سیر و تحول این دو انواع ادبی در تاریخ ادبیات فارسی –دری بررسی کنیم تا خوانندگان و علاقمندان از آن ها درک درستی حاصل کنند و در صحبت های بعدی به شرح اسطوره وسیر تحول آن نیز خواهیم پرداخت!

لغت نویسان "حماسه" را به فتح اول نگاشته اند، این واژه عربی است و در لغت به معنی شجاعت، بهادری و دلاوری آمده است و در اصطلاح به آن نوع شعری اطلاق می شود که به شرح سرگذشت انسان در روزگاران قدیم می پردازد.

دوکتور سیروس شمیسا در کتاب معروفش به نام (انواع ادبی) در شرح حماسه چنین می نگارد: "حماسه شرح تاریخ قبل از دوران تاریخی است. گزارشی است از اوضاع و احوال روزگاران نخست و تاریخ صدر جهان، و روزگار مردمان نخستین را ترسیم می کند. حماسه از زمانی که ملتی در راه حصول عظمت و تمدن گام نهاده است سخن می گوید. در آن سخن از جنگ های است که برای استقلال و بیرون راندن یا شکست دشمنی، یا کسب نام و به دست آوردن ثروت و رفاه صورت گرفته است. حماسه مربوط به دورانی است که قبایل و نیرو های گوناگون متحد شده و اندک اندک تشکیل ملتی داده اند از این رو حماسه هر ملتی بیان کننده آرمان های آن ملت است و مجاهدات آن ملت را در راه سربلندی و استقلال برای نسل های بعدی روایت می کند".

از مشخصات حماسه است که شاعر به شرح ماجراهای خارق العاده قهرمانی ملتی می پردازد که در راه مجد و عظمت گام نهاده است وطی طریق میکند.

حماسه ممکن است به زبان مثور بیان شود ولی اکثر حماسه های قدیمی منظوم اند و به زبان شعر ارائه شده اند در حماسه شاعر می کوشد به کمک تصویر پردازی از قهرمانی که در راه حصول مجد و عظمت ملتش قدم می نهد و در این راستا فراز وفرودهایی را می پیماید، تاریخ حد اقل برهه، از تاریخ مرادش را باز گو کند در حالی که ممکن است این تصویر پردازی و ارائه "تاریخ" بابیان حقایق توام نباشد، به این معنی که در ارائه حماسه قهرمان به شکلی تعریف می شود و سیر حوادث چنان عروج می کند که گاه باواقعیت ها وحقایق زندگی عادی بشر سرسازکاری نداشته باشد (زندگی رستم در شاهنامه) خارق العاده گی و نیرویی مافوق یک انسان در وجود قهرمانان وجود دارد که گاه خیال و تصور آن در ذهن آدمی متجلی نمی شود.

لامارتین می گوید: "حماسه شعر ملل است هنگام طفولیت ملل، آن گاه که تاریخ واساطیر، خیال وحقیقت به هم آمیخته وشاعر مورخ ملت است".

دوکتور شمیسا در همان اثرش می نگارد: "در حماسه سخن از نخستین ها است، چه کسی نخستین بار حماسه ساخت؟ چگونه خط آموختند؟ آتش چه گونه کشف شد؟ نخستین گوششهای ذهنی بشر در رویا رویی با مسایلی چون مرگ و زندگی وعشق و نفرت و گذشت وفداکاری نیز در حماسه مطرح است".

در آثار حماسی دنیا (عمدتاً منظوم) شیرازه، زندگی انسان بر مبنای عشق و نفرت بررسی شده است در این آثار عشق عظمت وجایگاه خود را دارد و پدیده نفرت وانزجار از بدی پستی وزشتی و تبلور راستی و درستی در آن جایگاه شایانی نیز دارد.

در حماسه شناخت انسان از زندگی و عناصر تشکیل دهنده، هستی شامل است و در این ره شاعر و نویسنده تلاش می کند ابعاد مختلف زندگی انسان را در طبیعت ترسیم کند و آن را به شناخت بگیرد.

شمیسا می نویسد: "حماسه مربوط به زمانی است که انسان به شعور رسیده است و تاریخ خود را در ارتباط به توضیح و تفسیر جهان نخستین و عصر آفرینش بیان می کند... او در حال شناخت جهان است و بر شناخته های خود نام می نهد. حماسه زندگی انسان در جهان اسرار آمیز نخستین است".

(ادامه دارد)

گردباد

ودیگر نه دیوار مانده نه خشت
نه ابرو نه باران، نه دهقان نه کشت
خطر پوش توفان لا مذهبند
دل افسردگان دختران بهشت
گل سرنوشت سیاه مرا
خدا از چه مرداب سردی سرشت
چرا سهم چشمان زیبای من
ازین آسمان بوده این شام زشست؟
زمین غوطه ور در تف هرزه گیست
خزان زنده در ثور وارديبهشت
خدا زیر آوار دل مانده است
خداوند مسجد، خدای کنشت
–"به هر قیمتی دست ما را بگیر"–
کسی روی خاک بیابان نوشت.

فایقه جواد مهاجر

عزیز الرحمن ممنون

د ښځي مقام

ښځه مور ده، ښځه مینه او وفا ده-
ښځه پت، ښځه عزت، ښځه حیا ده
دنړي دناپوهي توروتیارو کې
هوسائي او نیکمرغي ده اورڼاده-
پرېښته دخیر او رحم او عاطفي ده
دفرعون کور کې روزونکي دموسي ده
دهستي تو ده جلوه نن او پرون کې
دده مینه مسیحاته مسیحا ده
که عالم یا نابغه یا فیلسوف دي
مور او غیره یي زانګو او رهنما ده
زموږ لوئي، زموږ میندي، زموږ خویندي
ظلم او زور په ښځینه وونارواده
بي له ښځي دژوندون نغمه ده چوپه
په فقدان کې ګډه وډه دادنیا ده
هست او بود دانسانانو ته که څیرشي
که آدم مووي بابا مورمو حواده
که ولي، که پیغمبر، که دخداي دوست دي
مور له ټولوځیني مخکي مقتدا ده
ښځه ژوند او دخوښیو زیګني ده
مرغلره دښکلا وود رشتیا ده
ممنون وایي که نړي کي څه ارزښت دي
پورته هرڅه نه ددي هستي بها ده

ترجمه از کتاب صید الخاطر ابن جوزی

فقر نقص و مصیبتی است

ترجمهٔ واقف حکیمی

برای دانشمندان چیزی در دنیا مفید تر از جمع آوردن مال جهت بی نیازی از مردم نیست؛ چون وقتی مال با دانش جمع گردد کمال را دریابد.

اکثر دانشمندان را فراگیری علم از کسب مال باز داشته و ضرورت زندگی، آنان را محتاج ساخته است.

چون نتوانستند صبر پیشه کنند به جاهایی سر زدند که آنان را سزاوار رفتن نبود هرچند در این کار تأویلی هم داشتند، مگر اینکه شایسته تر برای آنان غیر از این کارها بود.

زهری در پهلوی عبدالملک قرار گرفت، و ابو عبیده در پهلوی طاهر بن محسن و ابن ابی دنیا مؤدب معتضد شد، و ابن قتیبه کتابش را به مدح وزیر آغازید.

و تا هنوز جماعتی از علما و زهاد خلف در سایه، گروهی از ستمگران مشهور زندگی می نمایند.

اینان هرچند راهی از تأویل در پیش گرفتند ولی آنچه را که از ضمیر و کمال دین شان از دست دادند بیشتر از آن بود که از دنیا به دست آوردند.

گروهی از متصوفان ودانشمندان را دیدیم که با حکمروایان در می آمیزند تا چیزی از داشته، آنان بردارند، پس برخی از آنان به تملق و تظاهر می پردازند، و برخی دیگر به مدح و ستایش ناجایز، وگروهی هم ازنکوهش زشتی هایی چشم می پوشند، وبه تملق ها و مداهنه هایی غیر از اینها توسل می جویند کهسبب همه، آنها فقر و تنگدستی است.

بناء دانستیم که کمال عزت ودوری از ریاتنها در دوری جستن از حکام ستمگر است واین امر جزدریکی از دوطایفه تحقق نپذیرفته است:

یا کسی باشد صاحب مال، مانند سعید بن مسیب که تجارت روغن وغیر آن راداشت، و سفیان ثوری که دارای مال التجاره بود، و ابن مبارک، ویا کسی باشد صاحب صبر قوی که به آنچه روزی یافته است قناعت ورزد هرچند آن کفایتش را نکند مانند بشر حافی، واحمد بن حنبل.

وآنگاه که آدمی نه مانند صبر این دو را داشت، ونه کمال آنان را، غالباً با سختی ها و آفات دست وگریبان خواهد بود، وچه بسا که دینش را از دست دهد.

پس ای دانشجو بر تو است تا برای بی نیازی از مردم در جمع مال بکوشی؛ زیرا که مال، دین تو را نگه دارد.

در اغلب احیان منافقتی در تدین وزهد مآبی وتظاهیخشوع، وآفتی که برعالمی طاری شده باشد نه دیده ایم مگر این که سببش حب دنیا بوده وغالب آن ناشی از فقر بوده است.

پس اگر آن کس مال کفاف دارد و باز با درآمیختنش با حکام در تلاش مال بیشتر است، آن شخص در زمره، آزمندان به حساب آید که از ساحت دانشمندان خارج باشد. از آن احوال به خدا پناه می جوییم.

وحید "مژده"

حفظ فرهنگ خودی در شعر علامهٔ بلخی

نیم نگاهی به دیوان تازه به چاپ رسیدهء شهید علامه سید اسماعیل بلخی



تپیدم ناله کردم داغ گشتم خاک گردیدم
وفا افسانه ها دارد که می باید شنید از من
(بیدل)

شعر در حجم ظریف خویش بار بزرگی از معنی را به دوش می کشد. شعرفارسی دری به خاطر همین خصلت در طول تاریخ در برگیرندهء وسعتی از معانی در ایجاز سخن بوده است. از همین جاست که می بینیم شعرفارسی دری در تفهیم معانی ازصرف ونحوتا فقه وازتصوف تااخلاق واز فلسفه تا تاریخ بار هر مضمونی را با استواری به دوش کشیده است.

در مواردی شعر روشن تر از تاریخ، وقایع زمان خود را ثبت کرده است. چه بسا که مورخ در ثبت رخدادهای زمان، بر رای و نظر ارباب زور و اصحاب قدرت نظر داشته ولی شعر در قالب منظوم خویش انعکاس دهندهء طنین ضربه های شلاق ظلمی بوده است که فرا رفت و بر تن مظلومان فرود آمد. شاعر که در حقیقت شاهدی است حاضر در متن زمان، شرح دردهای زمان خویش را بر بال شعر می بندد تا در افق های دور دست تاریخ به دست آیندگان برسد و از خاطر روزگار محو نگردد.

شعر علامه سید اسماعیل بلخی شهید دارای ویژگی هایی در چندین بعد از جمله در همین بعد تاریخی است. این شعر تاریخ درد دورانی است که بلخی در آن پرورده شد و تلخی آن شوکران را با همهء وجود خویش حس کرد.

بلخی نه ادعای شاعر بودن داشت و نه مورخ بودن. شعر برای او وسیلهء فریاد (حی علی خیر العمل) بود تا جامعه را به قیام فرا خواند که (خیر من النوم) است.

شهید بلخی یک مصلح بود، با کوله باری از تجارب مصلحین ماقبل خویش از جمله سید جمال الدین افغانی. به همین دلیل نیز با دربارها از در صلح پیش نیامد. پایی در مدرسه داشت و پایی در میان مردم ولی او مصلحی بود که سودای یک انقلاب در سر داشت. پیش شرط اصلاح جامعه را انقلاب می دانست او در سنگر مبارزه با استبداد سر انجام به بند کشیده شد، آن هم در زندان قرون وسطایی (دهمزنگ) با آن شرایط دشوار وغیر انسانی اش و چه طولانی زمان، چهارده سال و چند ماه! ولی زندان هم برای بلخی امتداد همان حماسه و تداوم همان فریاد بود.

مسعود سعد سلمان شاعر بزرگ قرن ششم هجری چون در قلعهء (نای) زندانی شد چنان در هم شکسته گشت که خود می گوید:

نالم ز دل چو نای من اندر حصار نای
پستی گرفت همت من زین بلند جای

اما بلخی استوار قامتی است که از پشت میله های زندان چنین فریاد مقاومت سر می دهد:

غیرت آنست که یا مرگ ویا قامت راست
طی این بادیه زین رفتن خم خم مطلب

اینک به اهتمام مرکز تحقیقات ومطالعات علامهء شهید بلخی، چاپ جدید از دیوان آن بزرگمرد با مقدمه وشرح جالب به چاپ رسیده است. در مقدمه وشرح، اندیشه های علامه شهید از ابعاد و زوایای مختلف به بحث گرفته شده که هرکدام نمایانگر عظمت روح و اندیشه وقار وبلند شاعر است.علامه بلخی مانند همه اصلاح طلبان بیدارگر علت بدبختی جوامع اسلامی را در از خود بیگانگی آنان می داند و چون همه بیدار گران بر به خواب رفته ها نهیب بیدار باش می زند و جامعهء به خواب رفته را به گورستان خاموش تشبیه می کند، چنان که علامه اقبال لاهوری می گفت:

به ملک هند نوای حیات بی اثر است
که مرده زنده نگردد ز نغمهء داود

علامهء بلخی می گوید:

گر صور دمانند درین مقبره هر روز
مشکل که یکی مرده سر از گور بر آرد

بلخی با جنبه های مثبت تمدن غرب وبهره گیری از آن در جوامع اسلامی مخالف نیست او مسلمانان را به خاطر دوری از کاروان تمدن مورد انتقاد قرار می دهد ولی مخالف تقلید کورکورانه از ظواهرنا ارجمند فرهنگ غربی است:

*** زیب قامت ما نیست ثوب دیگران بلخی**
از گیاه این بستان جامه باف و در برکن

ودرجای دیگر:

می نوش و این عرق همه از خاک خویش گیر
نوشی زساغر دگران باده تا بکی؟

ونیز:

شیشه ز اجنبی شرم است باده نوش وحدت را
آب تاک خود بفشر قلب پاک ساغر کن

وبر تقلید کور کورانه از فرهنگ بیگانه که ناسازگار با ارزش های فرهنگی جامعهء ماست چنین انتقاد می کند:

شرقی جوان که وضع اروپایت آرزوست
سرخوش از آن شدی که سراپایت آرزوست
بیرون نجسته ای تو زدام غرض هنوز
ای مرغ پرشکسته ثریایت آرزوست
بامود خشک خویش شبیهی به زاهدی
طاعت ریا نموده وعقبایت آرزوست
صید خدنگ فتنهء نفسی وباز هم
موهوم آشیانهء عنقایت آرزوست
در حوض وجوی غوطه زدن را ندیده ای
تا آشنا شناتهٔ دریایت آرزوست
مقصودت از یروپ اگروضع ظاهر است
از جام زهر شهد مصفایت آرزوست
گرنیستی زاهل تظاهر به راستی
بگذر زشرح لفظ چو معنایت آرزوست

علامهء بلخی ضمن این که بر زاهدان متظاهر می تازد نسل جوان را به پیروی از دین واصلاح وتزکیهء نفس فرا می خواند و راه اصلاح جامعه را مربوط به پیروی از همین اصل می داند:

بر نسل جوان شرم است چون شیخ تظاهرها
اصلاح وطن خواهی اصلاح بطون باید

بلخی در شعر دیگری به تاثیر منفی تقلید از ارزش های بیگانه بر جوامع اسلامی اشاره می کند. شاعر به این مسأله برخوردی بسیار خردمندانه دارد که نمایانگر عمق بینش او است. او هر (نو) را بدعتی کفر آمیز نمی داند ولی به این باور است که هر ارزش کهن و ریشه دار در اجتماع در خور طرد و دور ریختن نیست. این تناقضی است که جامعه باید از آن بر حذر باشد:

راه تباین مپوی حرف تناقض مگوی
شکر که برق آمد وحیف که فانوس رفت
جام شرافت شکست جامعه شهوت پرست
قرن مشعشع رسید غیرت ناموس رفت

جوامع بشری دارای فرهنگ های از هم جدا و متفاوت ند:

گوش تمام بشر سوی یک آواز نیست
این به آذان گوش دادآن پی ناقوس رفت

ضعف مسلمانان ناشی از وجود تفرقه درمیان آنان است:

وای مسلمان مگر وحدت ایمان نداشت
گاه پی انگلیس گه به در روس رفت

و در جای دیگر می گوید:

گه تکیهء ما سوی شمال است وگهی غرب
آخر نه مگر ملجاء ما دین مبین است؟

ونیز:

راست بین شو تو رخ یار به پاکی بنگر
همچو احول منما هرزه به هر سوی نگاه

بلخی دارای روح قدرتمند عرفانی است ولی وقتی نظر به عرفان و تصوف دارد نیز از توجه به جنبه های اجتماعی مسأله غافل نیست. او زاهدی انزوا طلب نیست که آمیزش با مردم را خلل در ارکان ایمان خویش پندارد. او مفهوم "خلوت در انجمن" را چنین توضیح می کند:

گوشه گیری از خلایق معنی تجرید نیست
می توان هم با جهانی بود و هم تجرید داشت

مفهوم وسیعی که در این فرد مضمر است می تواند در بیش از یک عرصه تفکر گسترده گردد. می توان در جهان معاصر زندگی کرد وبا اصول روابط بین المللی پابند بود. با کاروان تمدن همراهی کرد ولی فرهنگ خود را حفظ کرد وبا هویت باقی ماند. این است پیامی که بلخی به نسل های بعد از خویش دارد. وامروز تازه آن یی اگ مسائل بنیادی جامعهٔ ماست.

روانش شاد باد

خانم دکتر سکیمل نمایندهٔ تمدن خاور در دیار باختر

نور احمد تمکین
با استفاده ازمنابع خارجی

خانم دکتر انیمیری سکیمل (Dr. Annemarie Schimmel) اسلام پژوه وخاورشناس بزرگ در ۲۹ جنوری سال روان میلادی درگذشت. مرگ او ضایعه بزرگ برای تاریخ وتمدن اسلام وکشورهای شرق تلقی می شود. او یک شخصیت مشهور بین المللی بود و در ارتباط به اسلام مطالعه گسترده و فهم عمیقی داشت.

وفات او همچنان یک ضربهء بسیار محکم بود بر پیکر روابط نسبی و ضعیف دنیای اسلام و اروپا به شمار می آید.

او بیشتر از ۷۰ سال عمر خود را صرف مطالعه وپژوهش در بارهء پهلوهای گونه گون تمدن و فرهنگ اسلامی نمود. بیشتر از ۸۰ کتاب و تعداد زیادی از مقالات علمی او در این زمینه ها به زبان های اروپایی نوشته شده است و بنا به معنوی و فرهنگی وتمدنی آنها، به زبان های مختلف دیگر نیز ترجمه گردیده است.

سکیملبا وجود این که به چندین زبان اروپایی دسترستی داشت، به دلیل فهم و مطالعه عمیق و ورود به مسایل مختلف، به زبان های عربی و فارسی و ترکی و اردو وسندی نیز آشنا بود.



او با داشتن این ویژگی ها نقش یک سفیر تمدن اسلامی را در کشور های اروپایی بازی می نمود. بدون شک در دنیای امروز که برخورد بین دو تمدن اسلامی و اروپایی که از یک حالت نظری به یک واقعیت عینی تبدیل شده است؛ خدمات وحضور موثر او بیشتر از پیش جهت باز داری این جنگ احساس می گردد.

دکتر سکیمل در یک شهر کوچک جرمنی به نام ایرفورت (Erfurt) در سال ۱۹۲۲م به دنیا آمد. او از کودکی دلچسپی وکشش خاصی نسبت به اروپا خصوصاً جامعهء مسلمان آن داشت. از این که در جامعه یی که نازیزم بر آن سایه گسترده بود رشد کرده بود؛ در ابتداء چندان علاقه یی به دنیای شرق نداشت، مگر پدر او خواست تا دختر شش ساله اش لسان عربی را فرا بگیرد، بناءً یک معلم خصوصی برایش درآموزش زبان عربی استخدام نمود.

در سن ۱۹ سالگی دکتر انیمیری سکیمل (پی. ایچ. دی.) خود را از پوهنتون برلین در رشته پژوهشهای اسلامی به دست آورد. بعد از انجام خدمت در بخش روابط خارجه جرمنی، به حیث ترجمان برای چند ماه، در سال ۱۹۵۴ شروع به درس دادن مضمون "مطالعات اسلامی" در پوهنتون انقره نمود. آن روزها بود که او تحت تأثیر کارنامه های ادبی ومعنوی مولانای روم رفت و تمام عمر خود را در آن مسیر سپری نمود.

کتاب ۵۱۳ برگهء او به نام "آفتاب آزادی" (The Triumphel Sun) در بارهء کارنامه های مولانا جلال الدین رومی شاعر مشهور قرن ۱۳میلادی، شهرت به سزایی کسب کرد. او علاوه بر آن، هشت کتاب وسی مقاله علمی دیگر در بارهء مولانای روم نوشته است. آخرین کتاب او در بارهء مولانای روم به نام "من بادم وتوآتش" (I Am Wind You Are Fire) در سال ۱۹۹۲ به چاپ رسید که بسیار عالی و در خور ستایش است و آن در قالب یک کتاب شعری بسیار خوب که باز گو کننده یی از تأثرات بسیار عمیق او و نمایانگر دلچسپی بسیار زیاد نویسنده را نسبت به رومی و دنیای او نشان می دهد.

روچنان شیفتهٔ مولانای مابود که اکثر اوقات فاصلهء انقره تا قونیه را به یاد روزگاران مولانای با پای می پیمود.

دکتر سکیمل در سال ۱۹۵۹ دانشگاه انقره را ترک گفت و در بعضی از دانشگاه های جرمنی شروع به درس دادن نمود. در سال ۱۹۷۰ او به دانشگاه هاروارد (Harvard University) به حیث استاد کرسی فرهنگ اسلام وهندویسم، پیوست و در آنجا تقریباً ۲۵ سال باقی ماند. سپس به سمت استاد افتخاری دانشگاه بن (Bon University) تقرر یافت.

ناگفته نباید گذاشت که به گفتهء او خودش از آوان جوانی شوق و علاقه یی فراوان نسبت به کارنامهء شاعر مشرق علامه اقبال لاهوری داشته و تأثرات عمیقی از او برداشته است. غالباً با دانشمندان و شعراء وادبای خاور زمین وکارنامه های آنان آشنایی داشت و نسبت به آنان علاقه و ارادت خاصی می ورزید. به همین لحاظ به بسیاری ازکشورهای خاورسفرنمودوازنزدیک با فرهنگ وتمدن ودانشمندان آن معرفت حاصل کرد. دکترسکیمل به پاس این خدمات شایان و کارنامه های بین المللی اش در سال ۱۹۹۵ به دریافت جایزهء صلح (Peace Prize) از طرف تجارت خانه کتاب جرمنی (German Book Trade) نایل گردید.

نقش تعصب قومی در سقوط دولت اسلامی اندلس (هسپانیه)

فضل الرحمن فاضل
بن-آلمان فدرال

مقدمه

به نام خدا

اگر تاریخ ملت های مسلمان را ژرف مطالعه کنیم، با پدیده ای به نام سقوط نظام های حاکم بر کشورهای اسلامی بر می خوریم که داستان آن با شهادت حضرت عثمان آغاز می یابد و در جنگ "جمل" و "صفین" گسترده تر می شود و با فرمانروایی "بنی امیه" اوج می گیرد.

اموی ها که نظام شورایی و انتخابی اسلام را شکل میراثی بخشیدند وبه گفته "محمد بن ابوبکر" رضی الله عنهما، آن را به "هرقلیت" یا نظام حاکم بر "روم" تبدیل نمودند و به عوض این که عدالت اسلامی را در سرزمین پهناور اسلامی بگسترانند، بر عنصر عربی تکیه کردند که سر انجام آن تعصب نژادی باعث شد مردی به نام ابو مسلم خراسانی پرچمدار مبارزه با بیگانه ستیزی، در همکاری با عباسیان، آن نظام جور و ستم را سقوط دهد و عباسیان به زور بازوی او ویارانش بر تخت خلافت تکیه زنند.

از عوامل ظهور عباسیان در پهلوی ترکیز امویان بر نژاد عربی، ظلم و اجحاف فرماندهان جابر اموی بر ملت های مسلمان بود که حجاج بن یوسف ثقفی در خاور جهان اسلام وعبدالله بن حبحاب در باختر آن ، بر شهروندان جهان اسلام ستم روا داشتند. ظلم وستمی که طی آن خون سید الشهداء حسین بن علی علیهما السلام بر پهندشت کربلا فروریخت و سر انجام این صفحهء ننگین تاریخ در سال ۱۳۲ ق. با کشته شدن مروان بن محمد در "حلوان" مصر در هم نوردیده شد.

عباسیان که در سال ۱۳۲ ق. به قدرت رسیدند و بیش از پنج قرن فرمان روای جهان اسلام بودند در ۶۵۶ ق. با کشته شدن مستعصم بالله آخرین خلیفه عباسی به دست "هلاکو" در بغداد، خلافت شان، پایان یافت وسی وهفت خلیفه یکی پی دیگر نتوانستند اتحاد جهان اسلام را نگهداری کنند، در سالهای نخستین حکومت ایشان، مغرب و اندلس، استقلالیت خود را دارا بودند، بعدها سامانیان، طاهریان، ترک ها، بویهیان وغزنویان حکومت های خود مختار خود را تشکیل دادند و در هفتاد سال اخیر حکومت عباسی، خلفاء تنها در محدودهء بغداد سلطه داشتند.

سقوط خلافت عباسی عواملی داشت، که کم بها دادن به رکن مهم اسلام یعنی جهاد عامل مهم آن بود. رکن مهمی که در حدیث شریف "قلهء اسلام" خوانده شده است. آن جهاد مستمری که دولت پهناور اسلامی را نگهبانی می کرد، با اهمال عباسیان، سبب سقوط شان گردید زیرا وقتی که عباسیان پرچم جهاد بر ضد دشمن خارجی را نیفراشتند، پرچم های عصیان داخلی در هرگوشه و کنار به اهتزاز در آمد تا اینکه مرکز خلافت اسلامی در محاصره قرار گرفت و دیوارهای آن فرو ریخت و سر انجام مستعصم بالله با سه صد تن دستگاه حکومتی اش تسلیم "هلاکو" شد و هلاکو هم به قتل همه دستور داد.

نه تنها امویان و عباسیان بلکه در صفحات تاریخ اسلام می خوانیم که طولونی ها و اخشیدیان در مصر، سامانیان، بویهیان و سلجوقیان و غزنویان در خراسان زمین یکی پی دیگر سقوط می کنند.

آن چه در خاور اسلامی به وقوع پیوست در باختر اسلامی نیز تکرار شد. اغالبه در تونس، خوارج و بنی حماد در الجزایر، ادریسی ها در باختر دور، مرابطین در مراکش همه سقوط کردند وسر انجام خلافت به نام اسلامی هم در ترکیه سقوط کرد.

یکی از اسف انگیز ترین سقوط ها، سقوط دولت مسلمانان در اندلس بود که با سقوط آن، مسلمانان، دیگر به حکومت در آن مناطق اروپا دست نیافتند که تعصب قومی نقش مهمی در سقوط آن ایفا کرد. البته دل بستن به غنیمت، برادرکشی، مسلمان جنگی و استمداد از صلیبیان حقود، برضد برادران همکیش شان از عوامل سقوط دولت اسلامی در اندلس بود که رساله حاضر در همین مورد اخیر الذکر روشنی می افگند.

مترجم به آرزوی این که هموطنان عزیز از تاریخ این آموزگار سترگ و شکیبا درس گیرند وپا جای پای آنانی نگذارند که سقوط نظام های اسلامی را باعث شدند، این رساله را به ایشان پیشکش می کند، و مصرانه آرزومند است که از تاریخ بیاموزند. زیرا:

هرکه نامخت از گذشت روزگار
نیز نامـــــوزد زهیچ آموزگار

و همچنان: "گذشته چراغ آینده است."

اللهم سهل علینا کل صعب

☆☆☆

شاید وجود برخی بیماری ها در زندگی جوامع و دول تاریخ کهن داشته باشد، اما با نمو و نیرومندی بدن، آن بیماری ها به حالت اختفا در آمده و عوامل قوت و نیرومندی بر آن ها فشار وارد می کند تا لحظه ای که فرصت بروز مجدد آن میسر شود و همان است که آن بیماری ها در نبود پزشکان ماهر و طبیبان حاذق در شکل پدیده های اجتماعی و اخلاقی چنگ و دندان می نماید و طوری فرا گیر می شود که صعب العلاج گردیده و یا هم به سرطانی تحول می یابد که همه حجرات بدن را فرا گرفته و سر انجام به نابودی همهء بدن منجر می گردد.

بیماری تعصب که بر بنیاد احساس به برتری نژادی و امتیاز خواهی بر اساس تبار و تخمه ویا انتساب به قبیلهء خاص، قوم و یا سرزمین محددی استوار است، از جملهء بیماری های پلید و تباهی آوری است که قرن ها قبل در اندلس (هسپانیه) اسلامی پدید آمد و با درد و دریغ فراوان، کسی پیدا نشد تا ریشه ها و انگیزه هایش را با مبادی جامعه ساز اسلام که پیروانش را به مساوات، عدالت و تعاون در جهت رساندن خیر به عامه مردم دستور می دهد، بخشکاند.

مبادی جامعه سازی که برای هر صاحب حق، حقش را می دهد و از ژرفنای دل های همه انسان ها، احساس ستم و دونیت و ذلت را برون می کند. طارق بن زیاد در سال ۹۲ هجری قمری با لشکری متشکل از دوازده هزار وهفت صد سپاهی که نه هزار تن آن از جمله بربری ها بودند، به فتح اندلس اقدام ورزید.

ادامه دارد

قتل دونفر در انترکانتیننتال...

ساعت ۷،۵ دقیقه شام ۶ حوت شش تن از فراد خارجی که یک تن شان با لباس نظامی ملبس بود در دو موتر کروزین بدون نمبر پلیت وارد هوتل شدند، باتهدید افراد امنیتی به طرف دهلیز اتاق ۱۱۸ روان شدند. در حالی که دو تن شان در بیرون از اتاق همراه با سلاح پرده داري مي نمودند، افراد دیگر داخل اتاق شدند.

۲۰ دقیقه بعد کولن بیرلی شهروند انگلستان که خود را مربوط به کمپنی داکس معرفی نموده است در حالی که در ناحیه شکم از اثر اصابت مرمی زخم برداشته بود؛ همراه با تعدادی از بکس ها و وسایل باشتاب، توسط افراد مذکور انتقال داده شد.

کولن بیرلی از تاریخ ۱۶ جنوری وارد هوتل گردیده بود و در اتاق ۱۱۸ می زیست.

بعداً موظفین امنیتی هوتل داخل اتاق ۱۱۸ می گردند و جسد دو افغان را در داخل اتاق درمی یابند که دست هایی یکی از آنها توسط ولچک با مارک امریکایی بسته گردیده و اصابت دو مرمی در ناحیه صدر و سر وی و سه مرمی در سر وبازوی یکی دیگر از اینها به مشاهده می رسید.

سراغ ریاست مبارزه با جرایم جنایی وزارت داخله را گرفتیم تا جزئیات بیشتر واقعه را از این مقام دریابیم.

یک منبع ریاست مبارزه با جرایم جنایی وزارت امور داخله به خبر نگار "مجاهد" در مورد این واقعه گفت: شام ۶ حوت زمانی که از وقوع حادثه اطلاع یافتیم برای دریافت جزئیات بیشتر شتافتیم. مقتولین به طب عدلی جهت معاینات انتقال گردیدند. بعداً هویت آنها شناسایی گردید. یکی از آنها شیر جان ولد سید حبیب و دیگری سیدحسین ساکنین لولنج ولسوالی سرخ پارسا و لایت پروان می باشند.

پولیس موضوع را تعقیب نموده و در می یابد که تبعه انگلیسی بعد از زخمی شدن به شفاخانه ایمرجنسی در کابل انتقال یافته است.

هیاتی مرکب از ارگان های پولیس و څارنوالی جهت تحقیق مسأله گماشته شدند.

موضوع از اینجا آغاز می شود: دو افغان وارد هوتل می شوند از اتاق معلومات توسط تلفن با کولن بیرلی در اتاق ۱۱۸ تماس می گیرند در حالی که لسان انگلیسی هم نمی دانند بعداً آنها به اتاق خواسته می شوند و اجازه می یابند که به اتاق ۱۱۸ بروند. جریان بعدی را باید از کولن بیرلی شنید.

وی در نخستین تحقیق خویش در شفاخانه گفته است: آنها با تهدید تفنگچه سلاح و دلار از من خواستند یکی از آنها با لایم فیر کرد، هردو را زدم و به قتل رسانیدم. بعداً به تمبر تلفن یک انگلیسی تماس گرفتم ، آنها آمدند و مرا به شفاخانه انتقال دادند. پلیس جنایی بر این عقیده است که تا کنون بسیاری از جهات قضیه گنگ و پنهان باقی مانده است. آن چه به دست آمده صرفاً جریان حادثه را بیان می دارد اما این که چه معامله یی پنهانی وجود داشته است و از چه مدتی ارتباطی میان آنها به وسیله چه کسانی تامین گردیده بود، همه مسایلی است که با افشا شدن آن تا حدودی واقعیت مسأله واضح خواهد گردید.

از جریان تحقیق واضح گردیده است که خانمی به نام حفیظه نادی و شوهرش با کولن بیرلی در این مدت معرفت داشته اند که فعلاً لادرک اند. در صورت دستیابی می توانند تا حدودی چگونگی قضیه را واضح سازند.

پولیس جنائی می گوید:

گرچه از وقوع این حادثه چند روزی می گذرد ولی منابع پولیس مي گويد آن ها نتایج معاینات طبی را رسماً به دست نیاورده اند تا جزئیات بیشتر واضح گردد. مرمی يي که از تن مقتولین به دست آمده، مرمی سلاح مکروف می باشد.

همچنان پلیس این معلومات را به دست آورده است که افراد کشته شده مظنونند که قاچاق بران مواد مخدر و اسلحه می باشند این نکته بر این شایعه وگمان قوت می بخشد که معامله اصلی شاید خرید وفروش مواد مخدر و اسلحه بوده باشد.

فیصل

موضع گیری کشورهای ...

سیری که در پیش خواهند داشت، آینده این روند سیاسی در جهان را به گونه دگری خواهد داد.

حالا که شرق دیروز با آن ساختار قدیم وجود ندارد وغرب تا حدودی بی رقیب وارد میدان شده است و معادلات جهانی به صورت یک جانبه رقم می خورد، آینده نا متعهدها را چگونه می توان پیش بینی کرد؟

از ظاهر امر بر می آید که موجودیت نا متعهدها در معادلات جهانی همچنان که باید می تواند اثر گذار باشد.

اجلاس فعلی سران کشورهای غیر منسلک که روز دو شنبه ۲۴ فبروری در کوالالمپور دایر گردید با موضع گیری صریح در برابر قضایای مربوط عراق، یکبار دگر نشان داد که این موج حرکت می تواند در آینده جایگاه خاصی در روند دگرگونی ها ورخدادهای جهانی داشته باشد.

چنانچه ملاحظه می شود،این سیزدهمین کنفرانس است که با شرکت ۶۳ تن از سران کشورهای عضو و۲۴ تن از نمایندگان کشورهای مختلف جهان تشکیل شده است علاوه بر آن که مسایل متعدد مطرح در قضایای جهانی و منطقوی را مورد بحث قرار داد. از جمله مسایل فلسطین وعراق را به صورت واضح مورد ارزیابی قرار داده نقطه نظرهای مستقلانه خود را در بارهء آن ابراز داشته اند:

به گونهء مثال:

کنفرانس از عراق خواسته با سازمان ملل همکاری جدی نماید.

و در بیانیهء پایانی هر گونه حملهء احتمالی بر ضد عراق محکوم گردیده و همکاری نظامی کشورهای منطقه در جنگ بر ضد عراق رد گردید.

در کنفرانس این موضوع که سه کشور ایران، عراق و کوریای شمالی محور های شرارت خوانده شده اند، مردود دانسته شد.

در پایان اجلاس همهء کشورهای ترک کننده تعهد سپردند، تا همهء معضلات موجود را با تلاش های صلح آمیز برطرف سازند.

به این ترتیب نا متعهدها به ختم جنگ طلبی و اعمال خشونت برای دست یابی به مقاصد سیاسی که توسط بعضی حلقات وگروه ها با بعضی دولت ها صورت می گیرد، خط بطلان کشید و شرکت کنند گان با هم خدا حافظی کردند، تا سه سال بعد باز دور هم جمع شوند.

اما معلوم نیست سه سال بعد جلسه کشورهای غیر منسلک با کدام دست آوردی، بار دگر تشکیل خواهد شد؟

ومعلوم نیست طی این سه سال داعیه های صلح طلبانه وضدیت با خشونت وجنگ وحل قضایا از طریق صلح آمیز چه مقدار دست یافتنی تر و عملی تر جلوه خواهند کرد.

ونیز این که جوامع و کشورهای غیر منسلک در کدام جایگاه قرار خواهند گرفت معلوم نیست. سه سال مدت طولانی به نظر می آید و ممکن است رخدادها در جهان بدون توجه به موضع ضعیف و ناتوان نا متعهدها همچنان در جهت عکس مطالبات آن سیر خود را به گونهء دگری دنبال کنند.

ما ازدست کسانی چون شما . . .

وهدف نمایندگی دولت وی را پذیرا گردیدید و از آن دولت به دفاع برخاستید ؟چرا در آن زمان مخالفین استاد ربانی را عناصر طرفدار حکمتیار وپشتون مشرب قلمداد می کردید ؟ این سوال نیز بر دست اندر کاران جمعیت اسلامی وارد است که چرا شمادرحالی که از سابقهٔمبارز با خبر بودید روی چه دلیل وی را به عنوان نمایندهٔ خویش انتخاب نمودید؟ کسانی که به قول استاد خلیل الله خلیلی˝ گیسوان مادر وطن را به دست اجانب سپردند˝ روی کدام دلایل شرعی به نمایندگی ازمجاهدینی انتخاب شدند که بخاطر آزادی وطن از دست حزب آقای مبارز واتحاد شوروی جان های شیرین خود را فدا کردند ؟

خانواده اقای مبارز در همراهی با اشغالگران روس ورژیم دست نشانده آنان مشهورند. خلیل ابوی پسر خالهٔایشان تا به ریاست شورای رژیم کمونستی رسید.

آقای مبارز از آقای دکتر رهین به عنوان کسی که نشریات متعددی در غرب به همت ایشان به نشر می رسید نام برده اند وقلم بدستان هم کیش شان نیز همین مطلب کذب را در نوشته های خود تکرار کردند .

من که در غرب بودم ازآقای رهین جز در جریدهٔامید که آن هم ناشر افکار واهداف جمعیت اسلامی بود در سایر نشرات نوشتهٔ چندانی ندیدم آیا ممکن است آقای مبارز از آن نشریات متعدد که به گردانندگی رهین به نشر می رسید چند تایی را نام ببرند ؟

آقای مبارز وهمفکران شان در نوشته های خویش بر ضد مجاهدین از محمد ظاهر شاه به دفاع برخاسته اند .همه کسانیکه در غرب بودند این سخن مرا تأیید خواهند کرد که بیشترین دشنام ها بر ظاهر شاه وخانواده اش را همین همفکران ایشان نثار می کردند وجریدهٔامید شاهد روشن این ادعاست .

در پایان باید تصریح تمایم که ما اکثریت افغان های بر گشته از غرب در دیار غربت ازجهاد و مجاهدین دفاع کردیم ومن صد بار دست آن مجاهدی را می بوسم که با بلوپایپ و استینگر طیارات روسی را هدف قرار داد. این که امروز یک پرچمی این همه جرأت می یابد که مجاهد را بخاطر این که با این اسلحه طیارات را هدف قرارداده است ملامت می کند فراموش کرده است که آن طیارات برروی ملت بمب و راکت می ریختند.

پرچمی یی که دیروز برای سر کوب ملت خود روس ها را به افغانستان آورد امروز به دیگران می گوید که ˝باید از خجالت خود کشی کنید˝ ودیگری می نویسد که ˝پرچمی ها مردم عادی نبودند ˝چه دلاور است دزدی که به کف چراغ دارد !

من وملت افغانستان با این سخن من و ملت با این سخن آقای مبارز موافق هستیم که پرچمی ها واقعاً مردم عادی نیستند چون در سراسر جهان کمتر مردم در وطن فروشی ومزدوری مانند آنان می توان یافت.

ما افغانهای بر گشته از غرب فرزندان همین ملتیم . نباید اراجیف مشتی رانده شده از ملت بین ما وملت فاصله ایجاد نماید ومانع سهم گیری ما در باز سازی کشوری گردد که مسئول مستقیم ویرانی آن کمونست ها واحزاب خلق و پرچم ند و به دوستان توصیه می کنم که از دفاع چنین عناصری، افغانهای بر گشته از غرب شادمان نشوند .

این ها مردمی سیلی خورده از ملت ند وهنوز هم در صدد گرفتن انتقام از ملت می باشند . ما نباید اجازه دهیم که از ما به عنوان پرده یی برای اهداف شوم وپلید خود بهره گیرند .

بدون همکاری مردم افغانستان . . .

به حوالهٔ منابع خبری جلسه مذکور تحت عنوان، افغانستان بعد از منازعه، احیا وبازسازی، دایر شده بود.

خانمی از اعضای سنا گفت حقوق زنان در ولایت هرات کاملاً پایمال می گردد وشما در آن جا هیچ تسلطی ندارید رئیس دولت در پاسخ او گفت حقایق چنان نیست که شما می گویید امید وارم شمارا در افغانستان ببینم وشما بتوانید مسائل را از نزدیک در یابید.

در پاسخ به سناتور چتی سینگل، در رابطه به چگونگی روابط با همسایه ها، آقای کرزی گفت:

طی ماه های اخیر فعالیت هایی در ورای سرحد با پاکستان به مشاهده رسیده است که باعث نگرانی ما می گردد. ما در این رابطه با پرویز مشرف تماس گرفته ایم. در کولالمپور نیز با آقای مشرف صحبت کردم و روز بیست ودوم مارچ به پاکستان سفر می کنم.

ما موافقه نمودیم تا موضوع متوقف ساختن عملیات دهشت افگنان راأز آنسوی سرحد مورد بحث قرار بدهیم. از جانب سرحد ایران مشکلاتی وجود ندارد. روابط ما با ایران خوب است.

در پاسخ به سناتور کرستوفر از حزب دموکرات که در بارهٔ حساسیت مردم در رابطه با ازدیاد نیروهای خارجی پرسشی مطرح کرد، حامد کرزی گفت:

ایالات متحده وقوای ائتلاف برای آزاد ساختن مردم ما از چنگ یک نیروی فوق العاده شریر، با ما کمک نموده اند. حالا مردم افغانستان احساس آزادی می کنند.

بدون همکاری مردم افغانستان شما نمی توانستید، القاعده را در ظرف دو ماه شکست بدهید.

مردم افغانستان اراده کردند در پهلوی نیروهایی که به کمک شان آمده بودند، بجنگند. مردم افغانستان قوای ایالات متحده و نیروهای ائتلاف را دوستان خود تلقی می کنند.

دوستانی که در آزادی از بند، آنها را یاری کرد ند و حالا برای بازسازی کشور شان همکاری می کنند. اگر وضع به همین صورت ادامه یابد، این تصور تغییر نخواهد کرد.

اما گاه گاهی قوای ایالات متحده اشتباهاتی را مرتکب می شوند که باعث رنجش افغان ها می گردد.

حامد کرزی در پاسخ سناتور چتی چنین گفت: اگر به خاطر عراق توجه تان را از افغانستان منحرف بسازید و ما را تنها بگذارید، در این صورت اشتباه گذشته را تکرار خواهید کرد. اشتباهی که بعد از پایان اشغال شوروی در افغانستان مرتکب شده بودید.

در آن وقت، بعد از آن که قوای شوروی افغانستان را ترک گفت، ایالات متحده نیز افغانستان را فراموش کرد. وعواقب آنرا در افغانستان مشاهده نمودید.

جنگ بر ضد دهشت افگنی به پایان نرسیده است، این جنگ باید به صورت مطلق تکمیل گردد.

سناتور ˝فاین گولد˝ از حامد کرزی پرسید: اولویت او برای کشورش چیست؟ در پاسخ چنین شنید:

اولویت درجه اول برای افغانستان بازسازی است که نه تنها شهرها که روستاها و روستا های افغانستان نیز بازسازی شود تا اکثریت مردم که ساکنان روستا هستند، از نعمت بازسازی بهره مند گردند.

دومین الویت ما، تشکیل اردوی ملی است، تا اردو بتواند از نظر امنیتی روی پای خود ایستاده شود. مردم ما می دانند قوای حافظ صلح تا ابد درافغانستان باقی نمی مانند. در مرحله سوم عملیهٔ ساختمانی موسسات وسازمانهای سیاسی و اجتماعی از اولویت های ما به حساب می آید.

تجربهٔ لشکرگاه می تواند ...

دکان ها و سرای های ویران شده به کویتهٔ پاکستان مهاجر و آواره گردیده بودند.

آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان در پی استعمال شکایات مردم مظلوم لشکرگاه هیأتی بلند پایه به هلمند اعزام کردند که در نتیجه ثابت گردید، شکایات و اعتراض ها حقیقت دارد. بنابران فیصله اتخاذ گردید، تا اسناد ومدارک دست داشتهٔ مالکین، معتبر دانسته شده، جایدادهای آنان دوباره مسترد گردد.

این اقدام در نفس خود قابل دقت و توجه بوده ومی تواند به عنوان مثال اسباب تحکیم نظم و قانون در کشور گردد.

قابل یاد آوری است که دولت انتقالی اسلامی در چنین زمینه های به فوریت باید عمل نماید ودر تمامی موارد به سمع شکایات مردم پرداخته وحق را به حقدار برساند.

اما متأسفانه مواردی به ملاحظه می رسد، که قانون ومقرره ها با سوء استفاده از فرصت و باشیوهٔ نا درستی تطبیق گردیده است.

به گونهٔ مثال این قانون شکنی و خلاف ورزی در مورد استرداد آن عد آپارتمان های مکروریان ها که بنابر دلایل ناموجه مالکین، تا کنون نتوانسته بودند قباله اخذ نمایند، صراحت ووضاحت دارد، اماهیچ منبع به این شکایات تاکنون رسید گی نه نموده است.

توجه جدی مقامات مسوول به عرایض و شکایات مردم، چنانچه درمورد مردم لشکرگاه صورت گرفت، اقدام نیک و عادلانه بوده وباعث امیدواری هموطنان می گردد.

برای رهبری دولت انتقالی اسلامی افغانستان وبه طور اخص برای آقای کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان، طلب موفقیت های بیشتر هستیم.

افغانستان

دنړۍ په مطبوعاتو کې

په دې ورستيو کې چې امريکايي ځواکونه پر عراق باندې دبريد په درشل کې دي نړيوال مطبوعات او سياسي کتونکي دافغانستان دحالاتو په باب له اندېښنو ډکې مقالې ليکي او څرګندونې خپروي چې ګرانو لوستونکو ته ددغو مطبوعاتو ځينې ټکي وړاندې کوو: دسانفرانسيسکو کرانيکل نومې ورځپاڼې دفبرورې دمياشتې په څلرويشتمې ګڼې کې دميرمن جوليت توزيف په ليکنه چې سرليك يې دی: "عراق ته پام جګړه ماران غښتلي کوي" يو مطلب خپور کړی دی، جوليت توزيف ليکي: په افغانستان کې دطالبانو او القاعده دکسانو نيول هيڅ کله هم آسان کار نه و، خو اوس زياتې اندېښنې را پيدا شوې چې دعراق دجګړې په صورت کې به د افغانستان او پاکستان دپولې په اوږدو کې پرتو امريکايي ځواکونو ته زياتې ستونزې را مينځته شي.

جوليت ليکي: په سيمه کې دښخړو او جګړو زياتيدل زما دخبرې شاهدي ورکوي. دتېر دسامبر دمياشتې راهيسې په هرځای د امنيت ساتنې نړيوالو ځواکونو، نړيوالو مرستندويو موسسو، او دکرزي په حکومت حملې تر سره شوې دي.

نوموړې په خپل مضمون کې په امريکا کې دخلکو هغو اندېښنو ته هم اشاره کوي چې وايي دغه مخالف ځواکونه دپاکستان له خاورې څخه افغانستان ته ننوځي. دمضمون دليکونکي په آند پاکستان افغانستان ته د روسي او هند د مرستې دور کولو دوروستيو وړانديزونو له امله ډېرې اندېښنې لري. دی وايي: دافغانستان په کورنيو چاروکې دپاکستان لاس وهنې څه نوې شی نه دی او دافغان چارواکو سره داويره پيدا شوې چې پاکستان يوځل بيا په افغانستان کې دخپل نفوذ دټينګولو له پاره په جنوبي او ختيځو سيموکې خپلې منګولې ښخوي.

همداراز يوې هندي ورځپاڼې د انډين اکسپرس په نامه په خپلې يوويشتمې ګڼې کې ديو ستيج او دوه ښودو تر ترسرليك لاندې دسيد نقوي په ليکنه يو مطلب خپور کړی: دغې ورځپاڼې په امريکا غږ کړی چې دعراق دمسالې سره سره دې افغانستان ته نوې نظرو کړي. نوموړي دخپلې مقالې پيل داسې کوي چې په بغداد کې درژيم بدلول کابل پورې اړه لري، دی ليکي: که چيرې دعراق درژيم بدلون دبيا رغاونې له کار سره اړه ولري نو په يقين سره چې امريکا په دغه کار کې ناتوانه ده او دافغانستان په سياسي لابراتوار کې يې خپلې تجربې نه دي عملي کړي.

نقوي په ډاګه وايي: امريکايان، افغانستان د خپل برياليتوب معيار بولي نو ځکه نې د همدغه اصل په اساس د افغانستان لپاره دامريکا جمهورئيس جورج ډبليو بوش خاص استازي زلمي خليل زاد عراق لپاره هم خپل استازي ټاکلی دی.

نقوي وايي دا چې ولې ټول خلك وايي امريکايان بايد افغانستان ته خپل پام جاري وساتي ممکن دليل يې داوي چې امريکا به په دوه ځايونو کې په يو وخت کې د بيا رغونې لپاره امکانات ونه لري.

مقاله وړاندې وايي – ستر معمار ښه دی؛ خو خبره په شيطاني جزئياتو کې خرابه ده. د افغانستان بيا جوړونه لا په لومړيو مرحلو کې ده چې له خلکو سره د امريکايانو دشاته کيدو ويره پيدا شوې ده.

نقوي د ميرمن جوليت د مقالې د څرګندونو په هکله چې د مخالفينو له خوا په افغانستان کې حملې شوې دي، ليکي: ددې خبرې يو مشکل دادی چې د افغانستان د ملي پوځ د جوړيدو کار د ميږي په پله روان دی. دی وايي د عراق د جګړې په صورت کې د طالبانو، القاعده او حکمتيار دډلو وړې وړې حملې به په سترو حملو بدلې شي او بيا به له کنترول څخه ووځي. نقوي په پای کې وايي: امريکايانو بايد حوصله کړې وای او افغانستان به يې د يو مودل او نمونې په توګه جوړ کړای وای او بيا به يې په غوړو بريتو د نړۍ په بله برخه کې د رژيم د بدلولو کار ته دا نګلي وای. د انګلستان د انډيپنډنټ ورځپاڼې د فبرورۍ د مياشتې به ۲۴ مه ګڼې کې د فليپ ريفز په ليکنه يو مضمون د "په بېوزلۍ کې ژوند او د پرېښودو ويره له کاره لويدلي افغانستان په خپل خلاصونکې باور کوي" ترسرليك لاندې خپور کړي.

فليپ ريفز دافغانستان دبيا رغاونې په چاروکې دامريکا په نه پاملرنې باندې نيوکې کړې او دمضمون په يوه برخه کې يې ليکلي:

په کابل کې دامنيت ساتنې نړيوال مرستندويه پنځه زره سرتيرې پراته دي او دافغانستان د نورو سيمو په پرتله دغه ښار په امن او سوله کې دی؛ خو له خلکو سره اندېښنې لکه دژمي زکام او تبه موجودې دي.

ريفز ليکي: په کابل کې دخلکو سره داخپګان شته چې نړيوالې ټولنې دافغانستان دجګړه خپلي هيواد د رغونې له کار سره چندان علاقه نه لري.

ريفز ليکي: دنړيوالې ټولنې هغه هلې ځلې چې غواړي دحامد کرزي تر مشرتابه لاندې مرکزي حکومت غښتلې کړي نه دي ترسره شوي، په هيواد کې روغتيايي آسانتياوې، برېښنا، دسړکونو شبکې، مخابرات، بندونه او روزنه نه ترسترګو کيږي.

دی وايي: ددغو شيانو څخه مونږ دومره زده کولای شو چې ووايو په عراق کې دامريکا دعمليات وروسته به دهغه هيواد برخه ليك څه ډول وي؟

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد.
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال اول شماره شانزدهم دوشنبه ۱۲ حوت ۱۳۸۱ – اول محرم الحرام ۱٤۲٥ – 3 March 2003

اسماعیل خان در رأس یک هیأت بلند پایه در ایران به سر می برد



یک هیأت عالی رتبه به سرپرستی اسماعیل خان، والی هرات، به ایران اعزام گردید. گفته می شود هدف از سفر این هیأت ترغیب دولت ایران به تسریع کار چند پروژه بازسازی در افغانستان است.

اعزام این گروه به ایران، تازه ترین تلاش حامد کرزی، رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان، برای جلب کمک های بین المللی به منظور سرعت بخشیدن به کار بازسازی افغانستان است که در اثر ۲۳ سال جنگ ویران شده است.

روز شنبه اول ماه مارچ این هیات وارد شهر مشهد در استان خراسان ایران شده است و قرار است پس از دیدار با مقامات این استان، راهی تهران شود.

به گزارش خبرگزاری رویتر، اسماعیل خان قرار است در تهران با محمد خاتمی، رئیس جمهور، و اعضای دولت وی درباره پروژه های بازسازی دیدار و گفتگو کند.

گفته شده که از جمله این پروژه ها جاده ای از ایران به هرات و همچنین یک شفاخانه ۵۰۰ بستر و پلی است که ایران را به ولایت نیمروز در جنوب غربی افغانستان متصل می کند

سال گذشته ایران قول یک کمک ۵۵۰ میلیون دلاری را برای افغانستان داده بود. قرار است این کمک در طول یک دوره پنج ساله به افغانستان داده شود

کارشناسان می گویند فقدان امنیت در بیشتر بخش های افغانستان یکی از دلایل کند بودن روند بازسازی است.

تاهنوز هیأت درجمهوری اسلامی ایران مصروف دیدارو گفتگو باسران آ"کشور میباشد.

جامعۀ عرب حمله بر عراق ...

عربستان را متهم کرد که با دعوت از نیروهای امریکایی به داخل خاک خود با شیطان متحد شده است.

دربرابر این سخن قذافی شهزاده عبدالله ولی عهد کشور سعودی برآشفت و قذافی را به مداخدر امور دیگران متهم کرد، جلسه به دلیل این در گیری دوساعت تعطیل شد.

محتوای سخنرانی های سران نشانگر مصالحه یی است که قبلا بین کشورهای عضو صورت گرفته است.

به گفته مقامات حاضر در اجلاس، سران جامعه عرب در شرم الشیخ و وزیران خارجه کشورهای عضو موافقت کردند تا به تلاش دیگری به منظور رفع بحران عراق از طرق مسالمت آمیز دست بزنند.

سوریه و چند کشور عرب دیگر گفته بودند که تنها راه برای جلوگیری از حمله نظامی به عراق خودداری کشورهای عرب از دادن اجازه به نیروهای نظامی آمریکا برای دست زدن به حمله از خاک این کشورهاست.

این پیشنهاد با مخالفت تعدادی از کشورهای عرب همسایه عراق در منطقه خلیج فارس مواجه شد.

برخی از این کشورها به دها هزار نظامی آمریکایی و بریتانیایی اجازه داده اند به منظور دست زدن به حمله احتمالی علیه عراق، در خاک این کشورها مستقر شوند.

همچنان در این اجلاس امارات متحده عربی طرحی را برای کناره گیری صدام حسین، رهبر عراق، از قدرت ارایه کرده است.

هدف از این طرح، جلوگیری از بروز جنگ در عراق است.

شیخ زاید، رئیس امارات متحده عربی از رهبر عراق خواسته از کار کناره گیری کندو کشورخود را ترک گوید.

در مقابل، رهبر عراق از تعقیب قانونی مصون خواهد بود. شیخ زاید پیشنهاد کرده است که پس از پذیرش این طرح از سوی صدام، وی ظرف چهارده روز خاک عراق را ترک کند.

بر اساس این طرح، پس از کناره گیری صدام، سازمان ملل متحد و جامعه عرب مشترکا اداره امور آن کشور را در دست می گیرند و به عنوان نخستین گام، در تمام عراق اعلام عفو عمومی خواهد شد

در نخستین واکنش عراق نسبت به این پیشنهاد، سفیر آن کشور در اردن گفته است که دولت وی حتی حاضر به بررسی این پیشنهاد نیست.

وی گفته است که اگر هیاتی از سوی اعراب در صدد طرح این پیشنهاد با دولت عراق باشد، آن کشور اجازه سفر به بغداد را به آن نخواهد داد.

صدام حسین، رهبر عراق، اخیرا در مصاحبه یی با یک شبکه تلویزیونی آمریکایی گفته بود که هرگز کشور خود را ترک نخواهد کرد.

قرار یک خبردیگر دولت عراق گزارش داده است که انهدام موشک های الصمود-۲ آغاز شده است.

در بیانیه دولت عراق آمده است که نابودی چهار فروند موشک الصمود-۲ با حضور بازرسان تسلیحاتی در یک پایگاه نظامی نزدیک بغداد صورت می گیرد.

پیشتر بین بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل متحد و مقامات عراقی در مورد نحوه انهدام موشک های الصمود-۲ مذاکراتی صورت گرفته بود.

مصوبات شورای امنیت به عراق اجازه نمی دهد موشک هایی با برد بیش از ۱۵۰ کیلومتررا در اختیار داشته باشد.

دولت عراق قبلا موافقت خود را با انهدام این موشک ها اعلام کرده و این اقدام با استقبال هانس بلیکس، بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل، مواجه شده بود.

آقای بلیکس گفته بود که اگر عراق به قول خود در مورد موشک های الصمود عمل کند، باید آن را گامی اساسی در خلع سلاح آن کشور ارزیابی کرد.

در مقابل، ایالات متحده تصمیم عراق را صرفا یک ترفند تبلیغاتی خوانده است.

ع – ش

از نامه های آمده

ده در کجا ودرخت ها در کجا؟!

اخیراً محترم عبدالحمید مبارز معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ به نشر مضمونی تحت عنوان "عودت کنندگان از غرب اولاد صادق این وطن اند" در پنج شماره، متواتر روزنامه، دولتی انیس پرداخته است و علاوه بر آن دست اندر کاران روزنامه هیواد را نیز مجبور ساخته است تا مضمون وی را به پشتو ترجمه و به دست نشر بسپارد.

این که محترم مبارز با چه جملاتی بالای چه کسانی تاخته، شاید از آنسو جوابی دریافت نماید اما آنچه من می دانم خشم معین صاحب را اساسات مضمون انتقادی دیگری که در جریده، مجاهد به قلم نگارنده، این سطوربه نشر رسید بر انگیخته است.

مضمون مورد نظر من عبارت از "مطبعه، آریانا چگونه قرار داد گردید؟" می باشد که باید مبارز صاحب با استدلال بدون عصبانیت به ارائه جواب مقنع می پرداختند. اما به گفته، ضرب المثل مشهور "ده در کجا و درخت ها در کجا" قای مبارز خواسته است طفره برود وبا عنوان کردن "ازغرب آمده" جمع بزرگ دیگری را نیز به دنبال خود بکشد. وی شاید مصداق همان نبشته ها را در وجود خود دیده ویا این که از عقد قرار داد مطبعه، آریانا با یک موسسه، خارجی شرمنده باشد و نتواند جواب درستی ارائه کند چنان که استیضاح کمیسیون ارزیابی تصدی ها نیز نتوانسته است پاسخ مقنع ابراز دارد، لذا خود را به کوچه، حسن چپ می زند و به بی راهه می رود.

حرف وی درست است که حکومت مجاهدین به رهبری استاد برهان الدین ربانی مشکلاتی را داشت و در طی چند مقال نمی شود به چند وچون آن راه یافت، زیرا پیچیدگی قضیه و داستان غم انگیز آن با عوامل درونی وبیرونی، تغییر سیاست جهانی و یک قطب شدن دنیا ایجاب غور و تعمق بیشتر را می نماید. شاید رازها و رمز هایی بوده باشد که هرگز من و تو ویا ما وشما از آن مطلع نباشیم و روزی آنها برملا گردد و آن گاه خواهی گفت ای کاش با بصیرت و تعقل در مورد می اندیشیدم. هرچند خود آقای مبارز در برخی از نوشته هایش در بارۀ حوادث سالهای اخیر افغانستان عامل آن همه جنگ ها را مداخلات خارجی و آلت دست شدن حکمتیار خوانده است و نه جنگ داخلی و تنظیمی چنان که دراین نوشته می گوید.

به هرحال استاد ربانی در دوران جهاد ومقاومت ملت سر فراز افغان مصروف زدودن دردها، رنج ها و مصیبت های ملتش بود و هر آن به گوشش می رسید، روس ها به فلان ولایت حمله کردند وطیارات روسی فلان منطقه را بمباردمان کرده است وفلان مجاهد شهید شده و فلان مجاهد زخمی شده و مهمات فلان منطقه به اتمام رسیده و از این قبیل... و در دوران دولتمداری اش نیز لحظه یی فارغ از این درد و رنج نبود که لزومی به تفصیل ندارد.

جناب مبارز صاحب! شما همه، این فرصت ها را یا در داخل افغانستان زیر بیرق حزب دموکراتیک خلق افغانستان ویا هم در بیرون در عروس شهرهای دنیا با همه ناز و نعمتش سپری کردید وفکر آرامی دارید، آیا نمی شد جواب مضمون فوق را بدون حمله به این و آن و در واقع نفی ملت مجاهد خود بدهید؟ خیر بود اگر جواب قناعت بخشی نداشتید –که ندارید– سکوت اختیار می کردید.

شما را به خدا سوگند! جوابیه یی را که به ریاست عمومی کمیسیون ارزیابی تصدی درپاسخ این این پرسش ها نوشته اید شرم آور نیست؟ اکنون گمان می کنم همه، خواندگان در انتظار پاسخ قناعت بخش آقای مبارز هستند تا پرداختن ایشان به این نوع مغالطات لاطائل.

با احترام مصطفی

تهداب شهرک صنعتی در هرات گذاشته شد

این شهرک که در سی کیلو متری جنوب ولایت هرات روبروی میدان هوایی موقعیت دارد توسط اسماعیل خان والی هرات تهداب گذاری گردید.

اسماعیل خان ایجاد این شهرک را راه برای رسیدن به خود کفایی اقتصادی کشور خوانده گفت ما نباید منتظر کمک دیگران باشیم چون درگذشته ها کمک های سایر کشورها باعث مصیبت وجنگ گردید.وی در ادامه افزود که بعد از این سایر ولایات نیز به تاسی از هرات باید اقدام به ایجاد شهرک های صنعتی وفابریکات نماید تا شاهد شگوفایی اقتصادی کشور خود باشیم.

قابل یاد آوری است که شهرک موصوف در شرایطی تاسیس می گردد که اکنون صدها نفر تجار به مشارکت تجاران ایرانی اقدام به تولید انواع مواد خوراکی و وسایل طبی نموده است.

در "مجاهد" اشتراک ورزید

جریده "مجاهد" درسال ۱۳۸۲ خورشیدی مشترک می پذیرد.

بهای اشتراک سالانه:

در مرکزوولایات	۲۰۰ افغانی .
درخارج ازکشور	۵۰ دلار امریکایی.

بهایی اشتراک شش ماهه:

درمرکز وولایات	۱۰۰ افغانی.
درخارج کشور	۲۵ دلار امریکایی.

برای شاگردان ومحصلان نصف قیمت.
علاقمندان می توانند به اداره جریدۀ "مجاهد" تماس بگیرند.